



فصلنامه شهرداری ساری

سال سوم | شماره هفتم | زمستان ۱۴۰۰

آیا شهر برای
شهروندان با نیازهای ویژه
مناسب است؟

توانمندسازی اجتماعی



در عصر جدید، به شهرداری به عنوان پیمانکاری بزرگ که باید صرفاً پاره‌هایی از فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهر را به انجام رساند، نگریسته نمی‌شود. بلکه شهرداری به عنوان موسسه‌ای مدنی و برخاسته از مردم، موظف است در جهت توسعه پایدار و انسانی گام بردارد. در رویکرد نوین مدیریت شهری، شهرداری‌ها در کنار فعالیت‌های سنتی و مرسوم خود به اموری مانند: فعالیت‌های فرهنگی، بهزیستی و زیست محیطی نیز می‌پردازند. مدیریت جدید شهری تنها به معنای تهیه فهرستی از وظایف و فعالیت‌ها برای مدیران نیست بلکه شامل شیوه‌هایی نوین در برخورد با دولت مرکزی، نهادهای غیردولتی، بخش خصوصی و مردم است. این مدیریت به معنی مدیریت با پویایی بیشتر، خودکفایی موثرتر و فعال تر است.

اصغر نظریان - نادر شوهانی





فصلنامه شهرپویا، به صاحب امتیازی شهرداری ساری، با مجوز وزارت ارشاد اسلامی به شماره ثبت ۷۵۰۷۰ در تاریخ ۹۴/۱۲/۱۰ کار خود را آغاز نمود. این فصلنامه با تلاش همکاران شهرداری ساری، دانش پژوهان عرصه دانشگاه و صاحبان علم و تجربه به منظور نشر دانش و مسائل روز دنیا در زمینه مدیریت شهری تدوین می‌گردد.

در عصر حاضر، مدیران شهری به اتفاق بر این باور هستند که دستیابی به شهری سرزنده نیازمند حفظ و پیشرفت همگام و متوازن عناصر اجتماعی، اقتصادی، محیط زیستی و کالبدی شهر و شناخت روابط بین آن‌ها براساس بینشی همه جانبه نگر در چارچوب مدیریت یکپارچه و مشارکت محور است.

با این نگاه، شهرپویا بر آن است با انتقال دیدگاه‌های شهروندان، تجربه‌ها و نظریه‌های نوین شهرسازی در زمینه معیارهای شهری مطلوب، مرجعی استوار برای پشتیبانی فکری و علمی مسئولین و تلاش‌گران حوزه اجرا در فرآیندهای تصمیم سازی و ایجاد نگرشی جامع برای حصول مدیریت هماهنگ شهری فراهم نماید.

به طور قطع بهره‌مندی از نگاه تیزبین و اندیشه‌های بلند شما روشنی بخش راهی است که می‌پیماییم.



فهرست مطالب

- | | | | |
|--|----|---|----|
| سخن مدیر مسئول | ۲ | خانه‌های شهروندی؛ تداوم فرهنگ و مشارکت | ۳۰ |
| سرمقاله | ۳ | نقش مشارکت شهروندان در مدیریت پسماند شهری | ۳۴ |
| تقویم تبری؛ ایستاده در غبار | ۴ | فرهنگ ویران‌شده شهر | ۳۷ |
| چینی بندزده محلات قدیمی ساری | ۱۰ | معرفی کتاب | ۳۹ |
| از خشت مالان تا نوآمبار | ۱۳ | مشاهیر معاصر | ۴۱ |
| فرشتگان در آتش | ۱۶ | گزنه | ۴۲ |
| حق فراموش شده توان خواهان بر شهر | ۲۰ | | |
| نخستین قدم | ۲۰ | | |
| ققنوس‌های خاکستر نشین | ۲۴ | | |
| قضاوت‌های ما به خشم‌هایمان سوخت می‌رسانند! | ۲۷ | | |
| حضور فعال زنان، گامی به سوی توسعه پایدار | ۲۸ | | |



مطالب منتشر شده لزوماً دیدگاه «شهرپویا» نیست و مسئولیت مطالب مندرج بر عهده نویسندگان محترم آن است.

فصلنامه شهرپویا:

صاحب امتیاز: شهرداری ساری
زمستان ۱۴۰۰

همکاران فصلنامه:

مدیر مسئول: حسین مرتضوی
سرمدیر: زهرا زلیکانی
همکار این شماره: محترم فتحی
با تشکر از: راحیل حسینی، نازنین همایونی و همکاران محترم سازمان پسماند شهرداری ساری؛ محسن هدایتی؛ محمد کاشی سرخی

فنی و هنری:

گرافیک: سید روح الله شجاعی

ارتباط با ما:

پست الکترونیک: shahrepooya@saricity.ir
آدرس پستی: مازندران - ساری - میدان شهید قاسمی - ساختمان مرکزی شهرداری ساری
تلفن: ۰۱۱-۳۳۳۵۱۶۰۳۰



حقوق شهروندی.

حلقه اتصال شهروندان و مدیران شهری

البته همکاری پیگیرانه با سایر سازمان‌های متولی امر فرهنگ و حقوق شهروندی، برای برپایی برنامه‌های گوناگون، باعث شده مدیریت شهری ساری به یکی از پرچم‌داران ارائه بالاترین سطح خدمات شهری از منظر حقوق شهروندی و توانمندسازی شهروندان بدل گردد.

● شهروندان و همگامی با مدیریت شهری

بنا برآمار، شهر ساری با برخورداری از خیل عظیم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، سطح قابل قبول فضاها، آموزشی و اندیشه‌ورزی و همچنین وجود سازمان‌های مردم‌نهاد متعدد، در مشارکت عمومی در زمینه شهروندی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته و نرخ مشارکت مدنی شهروندان، در سال‌های اخیر، به طرز محسوسی افزایش یافته است. اقداماتی همچون ایجاد سامانه‌های نقد شایسته برای شهروندان و کارکنان سازمان‌ها و همچنین تلاش پیگیرانه مردم برای همکاری در روند اجرایی پروژه‌های عمرانی شهری و حتی پرداخت عوارض و مالیات‌های شهری و نظایر این فعالیت‌ها باعث شده تا همه چیز برای بروز جهشی گسترده در روند توسعه پایدار بومی فراهم گردد. اتفاقات مثبت سال‌های اخیر در ساری باعث شده درک این واقعیت بسیار راحت‌تر شود که رعایت حقوق شهروندان و حفظ کرامت و منزلت آنان از سوی مدیریت شهری مهم‌ترین دلیل پیشرفت شهر، توانمند شدن شهروندان و اعتماد متقابل بین شهرداری و شهروندان است. من و همکارانم در فصلنامه شهرپیا بر آنیم تا با توجه به سطوح کم‌تر پرداخته شده حقوق شهروندی و تلاش برای جلب توجه مدیران شهری به آن، سهم خود را در راستای پیشرفت روزافزون ساری ادا کنیم.

آموزش‌های عمومی را به صراحت بیان کرده و پشتیبانی از مؤسسات فرهنگی، آموزشی و تعاونی را که برای آشنا نمودن شهروندان با حقوق شهروندی در مدیریت‌های حاکمیتی و تصدی‌گری در حوزه شهری تلاش می‌کنند، در دستور کار شهرداری‌ها قرار داده‌اند. در سال‌های اخیر، شهرداری ساری توانسته با درپیش گرفتن سیاست مدیریتی اصولی و بر مبنای آگاهی بخشی و آموزش حقوق شهروندی، هم شهروندان را با سبک زندگی بهره‌ور آشنا نماید، هم روحیه مشارکت‌پذیری ساروی‌ها را در فرآیندهای توسعه بالا ببرد و هم سطح مطالبات مردمی را از مسئولین افزایش دهد. به گونه‌ای که اگر در گذشته، انتظار شهروندان از مدیریت شهری صرفاً به انجام فعالیت‌های کارکردی روتین و مشخص در حوزه عمرانی محدود می‌شد؛ در چند سال اخیر، گفتمان مدیریت شهری با توقعات و انتظارات جدیدی به لحاظ عملکردی روبه‌رو است. شهروندان ساروی پا را از مرحله مطالبه‌گری آسفالت کوچه، خیابان و محله‌ها فراتر نهاده و اکنون، خود را در جایگاه مطالبه‌گری در زمینه‌هایی همچون مسائل فرهنگی و اجتماعی در ذیل پیوست‌های عمرانی و همچنین خواستاران شهر هوشمند قرار داده‌اند.

گسترش فضاها، آموزشی از طریق پیش‌بینی و تأسیس مراکزی با نام خانه‌های شهروندی و برگزاری کلاس‌های سلامت روان و آموزش‌های شهروندی و سبک زندگی برای همه گروه‌های جامعه همچون بانوان، توان‌خواهان، کودکان و نوجوانان و پشتیبانی از کلینیک‌های مشاوره‌ای، افزایش سرانه برخورداری شهروندان ساروی از امکانات تفریحی، برگزاری مانورها، گردهمایی‌ها، کارگاه‌های آموزشی و تولید و عرضه محصولات فرهنگی و اجتماعی و

مفهوم «شهروند» را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: افرادی از مردم که در یک جامعه، با ساختارهای مدنی و پیشرو، دارای حقوق، آزادی و مسئولیت‌های اجتماعی مشخص باشند. در جوامع توسعه‌یافته‌تر، شهروندان طلایه‌داران رشد و توسعه شهر و کشور خود هستند و گفتمان‌های حاکم به آن‌ها منزلتی اجتماعی و انسانی ارائه می‌کند. روابط متقابل مردم و مدیران‌شان دارای مؤلفه‌های دموکراتیک است و پایش نظری و محتوایی عملکردها، مبتنی بر کارکردها، می‌تواند همچون زنجیره‌ای از احترام متقابل و اعتماد عمومی، افزایش سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت‌های همه‌جانبه را برای آن جامعه به ارمغان داشته باشد. از این رو، در بحث‌های مرتبط با حقوق بشر، صاحب‌نظران، حقوق را در دو بعد حق شهروندی و حقوق بشر جهانی مورد تحلیل قرار می‌دهند. شهرها دارای روح کالبدی و فضایی تعریف‌شده و مردم و ساکنان هر شهر نیز دارای هویتی‌هایی منحصر به فرد اما به هم پیوسته هستند. یک مدیریت شهری کارا و بهره‌ور می‌تواند از طریق فرآیندهای همکاری متقابل، در پیوست پروژه‌های خرد و کلان شهری و ایجاد زیرساخت‌های بهره‌برداري همسان و برابر در روند توسعه، باعث گسترش روحیه مشارکت‌جویی همه شهروندان شود.

● شهرداری ساری و توسعه انسانی از منظر حقوق شهروندی

بر اساس قوانین، مدیریت شهری در کشور ما نقش مؤثری در تحکیم اعتماد عمومی و آگاهی‌های اجتماعی دارد. بندهای متعددی در قانون وظایف شهرداری‌ها، از جمله بند ۵ و بند ۶ ماده ۵۵ و برخی دیگر از دستورالعمل‌ها و قوانین بالادستی، جایگاه

جامعه توانمند را مردم توانمند می‌سازند!



زهرا زلیکانی *

می‌کند و بسیاری از مردم، خصوصاً کودکان ساکن در این مناطق، شناسنامه ندارند و جزو آمار رسمی مملکت به حساب نمی‌آیند. علی‌رغم هویت، ماهیت، زیست و ساختار متفاوت مناطق حاشیه با سایر نقاط شهری، در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌ها نیز به حاشیه می‌روند و اغلب، هر آن چه که برای گروه‌های دیگر اجتماع برنامه‌ریزی می‌شود به آن‌ها نیز تعمیم می‌گردد، غافل از آن که این مناطق برنامه‌ریزی و تصمیمات ویژه‌ای می‌طلبند.

زنان، پرونده ویژه این شماره را به خاتمه می‌رسانند؛ گروهی که شاخص توسعه‌یافتگی هر جامعه‌ای را میزان مشارکت آنان در جامعه مشخص می‌کند. سرمایه‌های اجتماع که باید صدای‌شان شنیده شده، مطالبات‌شان در نظر گرفته شود و ساختار فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی شهرها برای حضور امن و آسان آنان اصلاح شود. افرادی که باید در تصمیم‌گیری‌ها مداخله داده شوند تا جامعه از ظرفیت و توان آنان بهره‌مند گردد.

علاوه بر پرونده ویژه، شهر پویا همچون سنوات گذشته به موضوعات دیگری نیز پرداخته است. در این شماره مطالب زیر را نیز می‌خوانید: معرفی خانه‌های شهروندی شهرداری ساری، که با هدف تقویت توانمندی گروه‌های مختلف جامعه تشکیل شده‌اند؛ معرفی تقویم تبری به عنوان میراث ماندگار مازندرانی‌ها و معرفی یکی از محله‌های قدیمی ساری به عنوان میراث ملموس ساروی‌ها؛ معرفی یکی از چهره‌های ماندگار ساروی؛ مطلبی در خصوص پسماندهای شهری که معضل زیست محیطی این روزهای استان و کشور ماست و نقش شهروندان در مدیریت آن. همچون شماره‌های پیشین، گزین این شماره نیز با تیغ تیز طنز به سراغ یکی از مسائل اجتماعی رفته و آن را به تصویر کشیده است.

مطرح کرده‌اند. توانمندسازی اجتماعی به عنوان پروسه تقویت احساس اتکا به خود و خودکفایی و تلاش برای تغییر روابط و گفت‌وگوهای گروه‌هایی از جامعه را به حاشیه می‌کشاند، تعریف شده است.

با توجه به اهمیت موضوع توانمندسازی اجتماعی و لزوم توجه مدیران شهری به این مقوله، در پرونده ویژه این شماره شهرپویا به این مفهوم پرداخته‌ایم. پرونده ویژه شماره حاضر، با موضوع معلولان گشوده می‌شود. بر اساس آمارهای جهانی، از هر هفت نفر، یک نفر در جهان با نوعی از معلولیت و یا کم‌توانی متولد شده و یا در طول عمر به آن دچار می‌گردد. شواهد مشخصی وجود دارد که نشان می‌دهد، به طور متوسط، افراد کم‌توان نسبت به سایر افراد جامعه فقیرتر هستند و در طول زندگی خود، انواعی از تبعیض را تجربه کرده‌اند؛ صدای‌شان شنیده نشده است؛ به حساب نیامده‌اند و بارها بدون حضور آن‌ها، برای‌شان تصمیم‌های کلان گرفته و برنامه‌ریزی شده است. مثل حدود پانزده هزار معلولی که در ساری زندگی می‌کنند و ما شاید حتی آن‌ها را نبینیم و ندانیم که بسیاری از آن‌ها تحصیل کرده، هنرمند، ورزشکار و توانمند هستند و می‌توانند برای ما، انسان‌هایی که تصور می‌کنیم معلول نیستیم، الگو باشند.

گروه اجتماعی دیگری که در پرونده ویژه این شماره به آن پرداخته شده است، حاشیه‌نشینان هستند. افرادی که در مناطقی زندگی می‌کنند که شاخصه اصلی آن، آسیب و معضلات اجتماعی است. مناطقی که ممکن است به لحاظ جغرافیایی واقعاً در حاشیه شهرهای ما و یا حتی در دل آن قرار گرفته باشند. حاشیه‌هایی که فقر، بیکاری، اعتیاد، کودک‌آزاری، ازدواج‌های زود هنگام، خشونت، بزه و ... در آن بیداد

جامعه واژه‌ای عربی است که وارد زبان ما شده و در ذهن فارسی‌زبانان معنای خود را یافته است؛ کلمه‌ای که ریشه در جمع دارد و فرهنگ دهخدا آن را به عنوان «گروهی از مردم که با هم وجه اشتراک داشته باشند و در سرزمینی واحد زندگی کنند» تعریف کرده است. فرهنگ معین نیز آن را به عنوان «گروه مردم یک شهر، کشور و جهان یا صنفی از مردم مانند جامعه هنری، سیاه‌پوستان و ...» معرفی کرده و جامعه مدنی را جامعه‌ای می‌داند که «بر مبنای خواست آزادانه و آگاهانه اکثریت مردم، برای شکل‌گیری حکومت، و با رعایت حقوق بشر و قانون‌مندانه اداره می‌شود». علاوه بر معنای تعریف شده در لغت‌نامه‌ها، واژه‌ها در ذهن هر فرد با توجه به تجربیات، اطلاعات و جهان بینی او معنی ویژه‌ای می‌یابد. جامعه ممکن است برای من از مردمی تشکیل شده باشد که در کنار آن‌ها در یک شهر زندگی می‌کنم و فرد دیگری آن را کل آبنا بشر، که در این کره خاکی زندگی می‌کنند، بداند. صرف نظر از تمام تعاریف ذهنی ما، بدیهی و مسلم است که در هر جامعه‌ای گروه‌هایی از مردم قرار دارند که کمتر دیده می‌شوند و معمولاً در برنامه‌ریزی‌های کلان به حساب نیامده و یا کمتر به حساب می‌آیند. گروه‌هایی همچون زنان، کودکان، توان‌خواهان و حاشیه‌نشینان که دستی نامرئی آنان را به خارج از متن می‌کشاند و موجب می‌شود، علی‌رغم نقش‌های گوناگونی که ممکن است در جامعه داشته باشند، کمتر از مزایای اجتماعی برخوردار شوند. این گروه کم‌برخوردار و فرودست اجتماعی در همه جوامع بشری دیده می‌شوند؛ از این رو، متخصصان و پژوهشگران، مفهوم «توانمندسازی اجتماعی» را به عنوان پاسخ و راه‌حلی برای مرتفع کردن معضلات آنان

* کارشناسی ارشد زبان انگلیسی



میراث ماندگار

تقویم تبری؛ ایستاده در غبار

زهرا زلیکانی

نگاهی به تقویم باستانی مردم مازندران

حدود یک ماه دیگر سال نو شمسی فرا می‌رسد. تقویم شمسی برای مازندرانی‌ها همچون سایر اقوام ایرانی تقویم رسمی و کاربردی محسوب می‌شود. اما نیاکان ما برای محاسبه روزها و فصول و برگزاری جشن‌ها و آیین‌ها از تقویم دیگری استفاده می‌کردند: تقویم تبری. دوم مرداد تقویم تبری وارد سال ۱۵۳۳ شد. علاقه به فرهنگ مردم مازندران، به خصوص تقویمی که توسط نیاکانمان در این سرزمین حاصل خیز استفاده می‌شد، بهانه‌ای بود تا به سراغ «علی حسن نژاد» بروم. وی شاعر، پژوهشگر فرهنگ عامه و داور چندین جشنواره بومی استان است. حسن نژاد سال‌هاست در رادیو و تلویزیون تبرستان (مازندران) نیز فعالیت می‌کند. بازسازی قصه‌ها و افسانه‌های مازندرانی و ساخت برنامه‌هایی در مورد فرهنگ عامه مازندران، گوشه‌ای از فعالیت‌های وی در صداوسیما و نشان‌دهنده دغدغه و علاقه او به فرهنگ این خطه است. در سال ۱۳۸۰، علی حسن نژاد «گروه آیینی زندگی مازندران» را تأسیس کرد تا آیین‌های بومی مردم مازندران، به خصوص آیین‌های مربوط به زنان همچون رقص محلی، آوازهای بومی، لگن‌زنی و قاشق‌زنی را بازسازی و احیا کند. در سال ۱۳۹۵، دو تن از زنان خواننده و نوازنده این گروه در بخش «صدای زنانه جشنواره چایکوفسکی» روسیه برگزیده شدند و «لگن» به عنوان یک ساز زنانه در این جشنواره ثبت جهانی و به موزه چایکوفسکی اهدا شد. آن‌چه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگوی من و علی حسن نژاد در مورد تقویم تبری است.



• تقویم، در معنای عام آن، چه طور به وجود آمد و چرا انسان ها نیاز به تقویم را در زندگی خود احساس کردند؟

انسان ها در طول زمان با توجه به تغییرات ثابتی که در زمین و آسمان مشاهده می کردند به مفاهیم روز، شب، ماه و فصل دست یافتند؛ البته این امر ممکن است سال ها و حتی قرن ها طول کشیده باشد. کم کم انسان متوجه شد این تغییرات در زمین و چرخش اجرام در آسمان روال ثابتی دارد؛ این روال ثابت را تقویم می نامیم. تخمین زده می شود که ایرانی ها از حدود هشت هزار سال پیش تقویم را به وجود آورده بودند. در بسیاری از نقاط دنیا نیز این نکته را پذیرفتند که ایرانی ها تقریباً اولین قومی بودند که به ابزار سنجش و اندازه گیری زمان، یعنی تقویم، دست پیدا کردند. انسان ها همواره به تقویم و این ابزار سنجش زمان نیاز داشتند برای بقا؛ نیاز داشتند بدانند چه زمانی از سال می توانند میوه ها را پیدا کنند؛ چه زمانی از سال برای کشاورزی مناسب است و یا چه زمانی از سال هوا سرد است و نیاز است برای حفظ خود از سرمای هوا تمهیداتی بی اندیشد.

• تقویمی که ایرانی ها آن را پایه گذاری کرده بودند بر چه اساسی بود؟

در ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که تقویم ایرانی بسیار دقیق بود. مثلاً ما الآن به راحتی می گوئیم شب یلدا یک دقیقه طولانی تر از سایر شب هاست؛ در صورتی که آیین شب یلدا شش تا هفت هزار سال قدمت دارد؛ یعنی ایرانیان در آن زمان می دانستند که شب یلدا در مداری که کشور ایران در آن واقع شده، حدود یک دقیقه طولانی تر از سایر شب های سال در این مدار است. این اکتشاف مسلماً نیاز به مطالعه دقیق آسمان و وضعیت ستارگان داشت. درک همین نکته، به ما تصویر واضح تری از دانش ایرانیان آن زمان و پیشینه تقویم ایرانی می دهد. ایرانیان آسمان را در شب و روز به دقت مطالعه کرده، ستارگان را رصد

و نام گذاری کردند و متوجه ستاره های ثابت و سیار شدند. تقویم ایرانی ابتدا بر اساس گردش ماه بنا شد. ایرانیان کم کم متوجه شدند ماه روال ثابتی ندارد و خورشید را مبنای تقویم قرار دادند. البته باید اشاره کنم که اصلاحات اساسی تقویم توسط حکیم عمر خیام صورت گرفت.



به دلیل شرایط توپوگرافی مازندران، این سرزمین خودکفا و مستقل بود. مازندرانی ها در تهیه مواد غذایی، حوزه های پزشکی، ساخت ابزار، موسیقی، شعر و صنایع دستی خودکفا بودند. مردم مازندران زبان مستقل داشتند و جزو اولین اقوامی هستند که هم زمان با زبان فارسی، کتاب و نوشتار به زبان خود داشتند و صاحب ادبیات بودند.

• بنابراین ما در ایران از ۸۰۰۰ سال پیش تاکنون تقویم داشتیم. با این وجود، چرا مردم مازندران نیاز داشتند تا تقویمی مستقل از تقویم ایران باستان داشته باشند؟

تبرستان یا مازندران تا قرن ها سرزمینی مستقل بود. این استقلال را از منابع گوناگون می توانیم حدس بزنیم مثل شاهنامه و همچنین شرایط توپوگرافی این سرزمین، به ویژه رشته کوه البرز و جنگل های انبوه که باعث می شدند منطقه به راحتی قابل دسترسی نباشد. این غیر قابل دسترسی بودن، به یک خودکفایی چند حوزه ای در مازندران منجر شد. مثلاً در مازندران بیشترین تعداد گیاهان خودروی قابل استفاده را داریم؛ چون نیاکان ما نیاز داشتند مواد غذایی و داروهای مورد نیاز خود را تأمین کنند. علاوه بر مواد غذایی، مازندران در حوزه های پزشکی، ساخت ابزار، موسیقی، شعر و صنایع دستی نیز خودکفا بود. مردم مازندران زبان مستقل داشتند و جزو اولین اقوامی هستند که هم زمان با زبان

فارسی، کتاب و نوشتار به زبان خود داشتند و صاحب ادبیات بودند. ما در مازندران تاریخ نویسی هم داشتیم؛ البته منابع کمی از آن موجود است. با توجه به این خودکفایی، طبیعی است که مازندرانی ها تقویم مستقل هم داشته باشند. تقویم مردم مازندران به نام های تقویم تبری، تبری باستانی، مازندرانی و یا تقویم گالشی شناخته می شود.

• در مورد تقویم تبری توضیحاتی بدهید.

اول باید این نکته را بگویم که احیاء تقویم تبری بسیار مدیون زحمات و تلاش های استاد «نصرت الله هومند»، مازندران پژوه بزرگ و پدر تقویم نویسی مازندران، است که بیست سال از عمر خود را صرف مطالعه و تحقیق در مورد تقویم تبری کردند. بسیاری از دانسته های ما در مورد این تقویم بر اساس تحقیقات ایشان است. استاد هومند، تقویم تبری را به تائید استاد «احمد بیرشک»، خداوندگار تقویم پژوهی ایران و استاد «جنیدی» نیز رساندند.

اگر بخواهم در مورد تقویم تبری حرف بزنم اول باید از مبدأ آن شروع کنم. مبدأ تقویم تبری را مرگ یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی، می دانند؛ زیرا بعد از اعلام خبر کشته شدن یزدگرد ساسانی، «اسپهبد گیل ژاماسبی»، پادشاه تبرستان، اعلام استقلال کرد؛ بقایای ساسانیان را در این منطقه از بین برد؛ حاکم مازندران شد؛ به نام خود سکه ضرب کرد و تاریخ نوشت. البته بسیاری دیرینگی تقویم تبری را بیشتر از این تاریخ می دانند. سال تبری در دوم مرداد تحویل می شود، ۱۲ ماه دارد و هرماه دارای ۳۰ روز است. ۱۲ ماه ۳۰ روزه، ۳۶۰ روز خواهد شد. پس هر سال ۵ روز اضافی دارد که آن را «پَتک» یا «پَنجه» می نامند و در سال کبیسه به آن «ششک» می گویند. یک نکته جالب در مورد پَتک بگویم. پَتک در تقویم تبری تقارن دارد با پنج روز اول سال شمسی. مازندرانی ها این پنج روز را جزو هیچ ماهی به حساب نمی آورند؛ در این روزها، کار و کشاورزی را تعطیل می کنند، دامداری به حداقل خود می رسد و مردم به

جشن و شادی و تفریح می‌پردازند.

اسامی ماه‌های تقویم تبری به این ترتیب است: فردینه ماه (برابر با ۲ تا ۳۱ مرداد)، کُرچ ماه (برابر با ۱ تا ۳۰ شهریور)، هَره ماه (۳۱ شهریور تا ۲۹ مهر)، تیرماه (۳۰ مهر تا ۲۹ آبان)، مِلار یا مُردال ماه (۳۰ آبان تا ۲۹ آذر)، شَروینه ماه (۳۰ آذر تا ۲۹ دی)، میر ماه (۳۰ دی تا ۲۹ بهمن)، اونه ماه (۳۰ بهمن تا ۲۹ اسفند)، پَتک (روزهای ۱ تا ۵ فروردین)، شَشک (روز ۳۰ اسفند در سال‌های کبیسه)، آرکه ماه (۶ فروردین تا ۴ اردیبهشت)، دِمه ماه (۵ اردیبهشت تا ۳ خرداد)، و هَمینه ماه (۴ خرداد تا ۲ تیر)، نوروز ماه (۳ تیر تا ۱ مرداد) امیر تیمور قاجار ساروی، والی مازندران در دوره محمدشاه، ماه‌های تبری را در این شعر برمی‌شمارد:

سیو ماه و کرچ و هره ماه و تیر
دگر هست مردال و شروین و میر
چو اونه ماه و ارکه ماه است و ده
ز پی و همن و هست نوروز اخیر
پتک را بدان خمسه زائده
به آیین هر کس صغیر و کبیر

• پس ماه‌های تقویم تبری با تقویم ایرانی کاملاً متفاوت است. فصل‌ها چگونه است؟
چطور؟ تقسیم‌بندی فصل‌ها در تقویم تبری چگونه است؟

مانند همه تقویم‌ها بهار، تابستان، پاییز و زمستان داریم؛ اما در تقسیم‌بندی سنتی و عامه، فصل بهار به بهار سرد (سرد و هار) و بهار گرم (گرم و هار) و پاییز به پاییز گرم (گرم پئیز) و پاییز سرد (سرد پئیز) تقسیم می‌شود. البته تقسیم‌بندی فصول در نقاط مختلف مازندران باهم فرق دارد. مثلاً روزهای گرم در دشت بیشتر از روزهای گرم در کوهستان است. در بعضی نقاط کوهستانی مازندران آمدن بهار به معنی گرم شدن هوا نیست. شاید این بیت را از پدر بزرگ‌ها و یا مادر بزرگ‌ها شنیده باشید که: «پس از نوروز سلطانی / سیصد سَنَدِل بسوزانی»؛ یعنی بعد از آمدن نوروز (اول بهار)، مجبوری سیصد خروار هیزم را بسوزانی تا گرم بمانی؛

زیرا بهار آمد ولی سرما تمام نشد.

• آیا ما جشن و آیین ویژه‌ای در تقویم تبری داریم؟

بله، جشن‌های بسیاری داریم برای مثال «مِرده عید» یا جشن مردگان که عید ماه بیست و شش، ۲۶ نوروز ماه، هم نامیده می‌شود. این جشن یک ریشه و دلیل تاریخی دارد. می‌گویند بعد از آن که ضحاک یکی از پادشاهان مازندران را کشت، فرانک (همسر این پادشاه مازندرانی) پسرش، فریدون را به دوراز چشم سربازان ضحاک به لاریجان



امروزه تقویم تبری کاربردی نیست ولی بیانگر تلاش چندین هزارساله کسانی است که بر آسمان و زمین تسلط پیدا کردند و به یک خودکفایی دست یافتند. امروز که ما باهم صحبت می‌کنیم ۱۵۳۲ سال از تقویم تبری گذشته و سال ۱۵۳۳ تبری آغاز شده؛ یعنی ۱۵۳۳ سال پیش، گذشتگان ما به عدد رسیدند و تقویم را به وجود آوردند.

آمل و یا سوادکوه می‌برد و مخفیانه بزرگ می‌کند. هنگامی که فریدون شانزده ساله و بسیار جنگجو و قوی شد، به خونخواهی پدر برمی‌خیزد و با کمک کاوه آهنگر علیه ضحاک قیام کرده و او را در دماوند کوه به بند می‌کشد. این پیروزی در روز ۲۶ نوروز ماه تبری به دست آمد. سپاه کاوه برای آن که خبر پیروزی خود را به مردم برساند، بوته‌های گون را دور طنابی می‌پیچاند و آن را آتش زده و بالای سر خود می‌چرخاند. مردم نیز روستا به روستا این آتش زدن گون و گرداندن آن را ادامه می‌دهند تا خبر پیروزی سپاه کاوه به همگان برسد. بعد از این پیروزی، مردم، در اولین اقدام، به سراغ مردگان خود رفتند

چون ضحاک اجازه نمی‌داد مردگان دفن و برایشان عزاداری شود.

این جشن و آیین هنوز در مازندران باقی است. در روز جشن مردگان، مردم به مزار مردگان خود می‌روند و میوه، شیرینی، غذا و نان می‌برند. در گذشته، نان‌ها را به شکل‌های مختلف می‌پختند مثلاً به شکل آدمک، پیرزن، نان گردی به شکل تقویم که به آن «سال‌گرده» می‌گفتند. به علاوه، من تا حدود سی سال پیش شاهد بودم که هر خانواده بسته به شغل متوفی، نان‌هایی به شکل ابزارهای آن شغل مثل تبر، داس و ... درست می‌کرد. هدف این کار، خوشنودی ارواح و سیراب کردن روح مردگان است. مردم معتقدند هر چه شادتر باشند، روح مرده نزدیک‌تر می‌آید. در این روز، در نقاط مختلف مازندران، علاوه بر رفتن به مزار مردگان، مراسم‌های دیگری نیز برگزار می‌شود. مثلاً در سوادکوه و آمل گون‌گردانی (آتش زدن و چرخاندن گون در بالای سر) و در شیخ موسی و امامزاده حسن، برای بزرگداشت روح پهلوانی قیام فریدون، مسابقات کشتی لوچو، اسب‌دوانی و ورزا جنگی (جنگیدن گاوهای نر) و یا هر آن چه مربوط به قدرت‌نمایی باشد، برگزار می‌شود. به علاوه، در شب عید مردگان، مردم بعضی روستاها در ایوان خانه خود شمع روشن می‌کنند؛ زیرا معتقدند در این شب مرده‌ها به خانه برمی‌گردند و روشنایی شمع به آن‌ها کمک می‌کند راه خانه خود را پیدا کنند. این جشن می‌تواند نگاه زیبای مردم مازندران به زندگی را نشان دهد. آن‌ها معتقدند اگر یک روز با مردگان شاد باشی و جشن بگیری، قدر زندگی را می‌دانی و بقیه روزهای سال با زندگان رفتار نیکو خواهی داشت.

• آیا آلان تقویم تبری استفاده می‌شود؟
در بعضی روستاها هنوز مردم ماه‌های سال را به نام‌های تبری‌اش می‌خوانند و یا بعضی آیین‌های تقویم تبری را برگزار می‌کنند ولی آلان این تقویم کاربردی نیست و استفاده نمی‌شود.



برگزاری آیین «مرده عید» علی حسن نژاد



مسابقات کشتی لوچو [O] ابراهیم فلاح

معنوی ما این ویژگی را دارند که تبدیل، احیا و بازسازی شوند. من به واسطه تلاش همه کسانی که قرن‌ها پیش آسمان را به دقت مطالعه کردند، وضعیت ستارگان، ماه و خورشید را ثبت کردند و یک روال ثابت در وقت‌شناسی، نجوم و تقویم به وجود آوردند، می‌توانم به راحتی با باز کردن یک سالنامه، تاریخ امروز را ببینم و حتی ده سال بعد را تخمین بزنم. درست است که تقویم تبری کاربردی نیست ولی بیانگر تلاش چندین هزارساله کسانی است که بر آسمان و زمین تسلط پیدا کردند و به یک خودکفایی دست یافتند. امروز که ما با هم صحبت می‌کنیم ۱۵۳۲ سال از تقویم تبری گذشته و سال ۱۵۳۳ تبری آغاز شده؛ یعنی ۱۵۳۳ سال پیش، گذشتگان ما به عدد رسیدند و تقویم را به وجود آوردند. من معتقدم بر همه ما واجب است که برای پاسداشت و احیا میراث نیاکان مان تلاش کنیم.

• امیدوارم. ممنونم از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

و افساردوز هم نیاز نداری. این امرطبیعی است چون شما آلان از ابزار دیگری استفاده می‌کنی. بخش‌هایی از زندگی ما ابزارمند است. این ابزار بنا به نیاز عوض می‌شود و به جایش ابزار جدید می‌آید و ابزار قدیمی غیرکاربردی می‌شود. وقتی غیرکاربردی شد، اسم، جهان‌بینی، دیدگاه، شعرها و ضرب‌المثل‌های مربوط به آن، کم‌رنگ شده و کم‌کم از بین می‌رود. اگر کسی این ابزارهای قدیمی را نشناسد و کاربردش را نداند، نمی‌توان او را متهم به کم‌دانشی یا دور شدن از فرهنگش کرد؛ زیرا او در زندگی و رفتار روزمره خود به این فرهنگ احتیاجی ندارد. ولی ما به یک موزه احتیاج داریم که بتواند به ما، انسان معاصر، سیری که طی شده و ابزارهایی که ساخته شده تا ابزار تکامل یافته امروزی به دست ما برسد را نشان دهد.

در مورد میراث معنوی، یعنی زبان، موسیقی، تقویم، افسانه، قصه و موضوعات مشابه هم مسئله همین است. این بخشی از میراث ماست. بخشی‌هایی از میراث

• پس دلیل احیا تقویم تبری و تأکید بر آن چیست؟

سوال بسیار مهمی است. همه گفتگوها به این بحث ختم می‌شود که چرا ما مازندرانی‌ها می‌خواهیم تأکید کنیم که یک تقویم مجزا داریم؟ البته این سؤال را نه تنها در مورد تقویم تبری، بلکه باید برای همه آداب و رسوم مان بپرسیم. چرا نیاز داریم آیین‌هایمان را حفظ کنیم؟ لزوم زنده نگه داشتن یک جشن چیست؟ آیا این جشن‌ها کاربردی هستند یا نه؟

آیا زبان مازندرانی نماینده، مترجم و بیان‌کننده انسان معاصر در سال ۱۴۰۰ هست یا نه؟ به راحتی می‌توانم بگویم زبان مازندرانی نمی‌تواند من معاصر را برای شما ترجمه کند؛ چون تولید واژه و جهان‌بینی واژه‌ای در این زبان تقریباً متوقف شده است. برای مثال، من آلان نمی‌توانم از شما بپرسم: «شبه اسب ره کچه دوستی؟» {اسب را کجا بستی؟} چون شما با اسب نیامدی. وقتی اسب نداری پس به پالان‌دوز، نعلبند



جشن خیابانی به مناسبت آغاز سال ۱۵۳۱ تبری [۵] زینب ذبیحی





نمایی از بافت تاریخی محله آب انبار نو در ساری [O] حسین خادمی

چینی بندزده محلات قدیمی ساری! ضرورت احیای بافت تاریخی-فرهنگی محله آب انبار نو



جواد پوریانی *

(میدان شهدا فعلی)، دروازه فرح آباد در شمال (سه راه ملا محمدالدین فعلی)، دروازه بابل در غرب (بارفروش ده) و دروازه چهل دختران در جنوب (میدان شهرداری فعلی) برپا می شود. (نقشه شماره ۱)

رشد شهرنشینی در دوران پهلوی اول، احداث خیابان های جمهوری، هجده دی، قارن و انقلاب، افزایش کاربرد اتومبیل و ایجاد فضاهای جدید تجاری تأثیر بسزایی در ازهم گسیختگی بافت ارگانیک ساری داشته است. البته بیشترین آسیب به شهرهای قاجاری، به دلیل ایجاد یک دولت تمرکزگرا و اداره شهر توسط آن بود که موجب شد محله ها کارکرد اجتماعی و عمرانی خود را از دست بدهند. از آن پس، نه

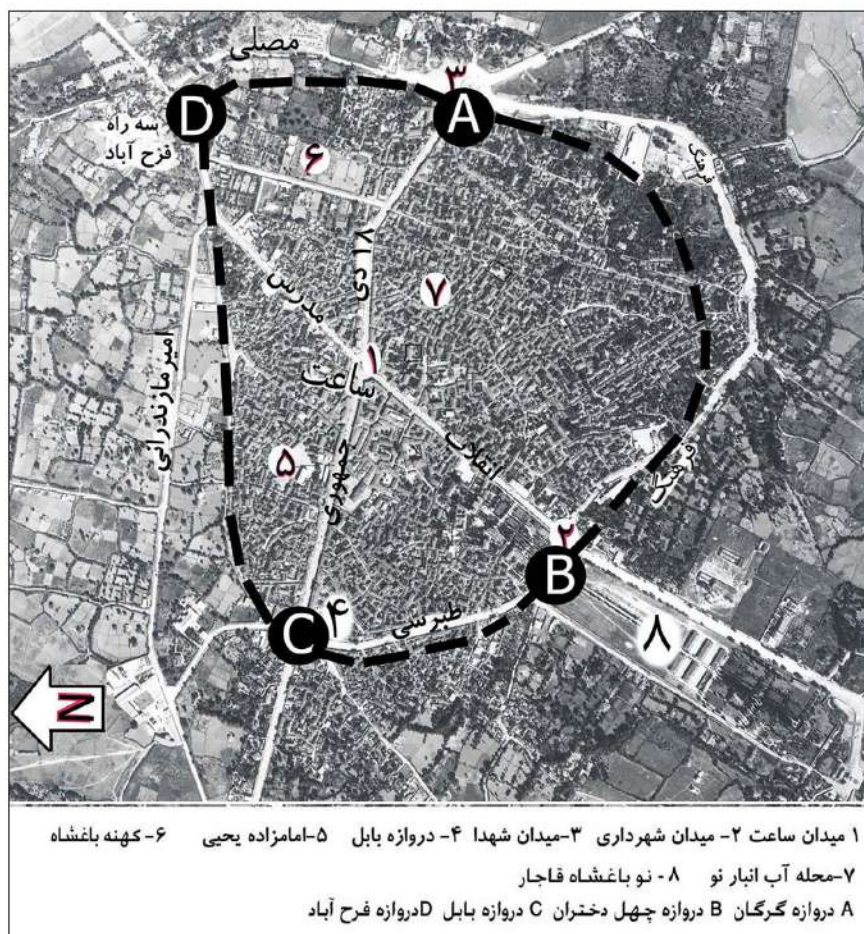
نگاهی به تاریخ شهر ساری

شهر تاریخی ساری از قدیمی ترین روزهای پیدایش خود به عنوان مرکز ایالت شناخته شده و به دلیل مرکزیت استان مازندران، محل سکونت اشخاص حقیقی و حکومتی مهمی مانند ملاکین، اعیان، اشراف، نمایندگان مجلس و بعضی شاهزادگان بوده است. انتخاب جایگاه آن به سبب موقعیت جغرافیایی-سیاسی و همچنین شرایط طبیعی مساعد، از جمله هم جواری با رودخانه تجن و حاصل خیزی جلگه های میان کوه البرز و دریای مازندران، فرصت مناسبی را برای شهر ایجاد نموده است. در قرن هشتم هجری، با تشکیل شهر-قلعه فئودالی، چهار دروازه شهر به نام های دروازه گرگان در شرق

معماری و شهرسازی گذشته ایران، مملو از آثار ارزشمند و درخور توجه، هم به لحاظ عوامل معنوی و هم عوامل عینی، است که از جهان بینی حاکم بر تعامل و اندیشه سازندگان آن و جامعه شکل گرفته است. علی رغم این واقعیت روشن، متأسفانه تاریخ معاصر ایران به دلیل شهرنشینی شتاب زده، مدرنیته شدن زندگی، ساخت وسازهای ضعیف و رواج نامتناسب معماری معاصر غرب، با انقطاع فرهنگی و گسست تجارب تاریخی بومی مواجه شده است. بافت های تاریخی، کانون و هسته شهرها هستند. حیات این بافت ها طی سده های گذشته، پایه بسیاری از آداب و رسوم و حتی فرهنگ موجود و نیز رونق اقتصادی شهر و منطقه بوده است.

* عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه پیام نور

نقشه شماره ۱- جانمایی دروازه‌های شهر ساری بر روی عکس هوایی سال ۱۳۳۵



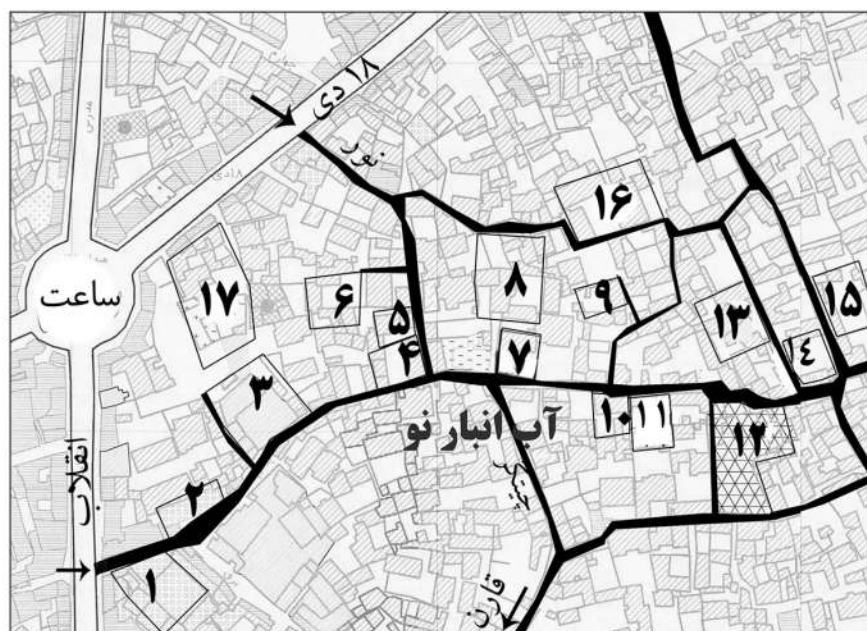
❖ احیای محله‌ها، گامی برای تقویت

هویت شهری

ایجاد محورهای گردشگری، مانند محور آب‌انبارنو ساری، می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های احیای فضاهای تاریخی شهری

(دوره قاجار، مالک خصوصی) ۱۶- خانه حسین‌خان سردار کلبادی (خریداری شده توسط اداره کل مسکن و شهرسازی) ۱۷- خانه وزیری (تخریب شده، حمامی به همین نام از آن باقی مانده است.)

نقشه شماره ۲- موقعیت بناهای تاریخی ارزشمند در محور آب‌انبارنو



نیازهای واقعی مردم و تشکیلات اجتماعی مربوطه، بلکه تصمیم‌گیری‌های دولتی شکل شهر را تعیین می‌کرد. بافت قدیمی شهر ساری، مانند بافت شهر گرگان، اولین بافت تاریخی ثبت شده در ایران، یکی از بافت‌های با ارزش تاریخی و فرهنگی شمال ایران است که خوشبختانه هنوز بعضی از عناصر و اندام‌های خود چون خانه، آب‌انبار، حسینیه، مسجد، تکیه، گرمابه و آرامگاه را از دوره‌های مختلف به‌ویژه قاجار و پهلوی حفظ کرده است. محله آب‌انبارنو، بین محلات قدیمی ساری، جایگاه ویژه‌ای دارد و تقریباً در مرکز محدوده بافت تاریخی ۱۳۴ هکتاری شهر واقع شده است.

❖ آثار تاریخی محله آب‌انبارنو

محور آب‌انبارنو دارای آثار تاریخی ارزشمندی از دوره قاجار و، به تعداد اندک، از دوره پهلوی است که به ترتیب از غرب به شرق عبارت‌اند از:

- ۱- مسجد مدرسه مصطفی‌خان ۲- تکیه عباس‌خانی (در گذشته جزو محله عباس‌خانی بود.) ۳- خانه منوچهر خان کلبادی (در اختیار میراث فرهنگی، با کاربری موزه) ۴- خانه میرگتی (خریداری شده توسط اداره کل مسکن و شهرسازی) ۵- خانه تلارمی (دوره پهلوی، مالک خصوصی) ۶- خانه دکتر اخوتیان (دوره قاجار و پهلوی، مالک خصوصی) ۷- خانه رمدانی (در اختیار میراث فرهنگی، اجاره ده ساله به بخش خصوصی توسط صندوق احیا) ۸- خانه فاضلی (دوره قاجار و پهلوی، از سال ۷۴ در اختیار اداره کل مسکن و شهرسازی است؛ مرمت تمکیلی آن انجام شده ولی از سال ۹۲ کاربری ندارد) ۹- خانه صادقیان (خریداری شده توسط اداره کل مسکن و شهرسازی) ۱۰- خانه کیومرثی (مالک خصوصی، در حال تخریب) ۱۱- خانه پنبه‌چی (دوره قاجار، مالک خصوصی) ۱۲- آب‌انبارنو (در اختیار میراث فرهنگی، بدون کاربری) ۱۳- خانه ناظری (وقف اولاد ذکور، اجاره ده ساله به بخش خصوصی) ۱۴- تکیه آب‌انبارنو ۱۵- خانه حیدری



تصویر شماره ۳. محور آب انبار از دید تکیه حاجی آباد

دولتی و شهرداری و نیز مشخص کردن ضوابط دقیق برای ساخت و ساز در حریم بافت تاریخی گام مهم در حفاظت و احیای آن‌ها است.

منابع:

- ۱- اسلامی، حسین، جغرافیای تاریخی ساری، ناشر مؤلف، ۱۳۷۳، ص ۳۹
- ۲- احمدی، سید مهدی، تاریخ محلات شهر ساری، انتشارات آوای مسیح، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵-۲۵۲
- ۳- پوریانی، جواد، خانه‌های تاریخی ساری، نشر رسانش نوین، ۱۳۹۴
- ۴- علی‌پور، حسین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موانع اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی در بافت‌های فرسوده (نمونه موردی بافت ساری)، ۱۳۹۵
- ۵- اسلامی، عزت‌الله، شرکت بازآفرینی شهری ایران وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۹۸ (مصاحبه)
- ۶- رضایی سنگدهی، انسیه، محلات کهن ساری، نشر رسانش نوین، ۱۳۹۵
- ۷- پیروزاد، احمد، بافت تاریخی ساری کهن شهر تبرستان، نشر رسانش نوین، ۱۳۹۴

هویت محلات می‌تواند سبب تقویت هویت شهری شود. این تجربه‌ای است که دنیا، علی‌رغم نداشتن زمینه تاریخی و رشد فناوری در شهرهای بزرگ، به آن روی آورده است. فرهنگ، جاذبه اصلی گردشگری است و بدون در نظر گرفتن فرهنگ، که تفاوت‌ها را ایجاد می‌کند، تمام نقاط دنیا شبیه هم به نظر می‌رسند. اقتصاد پایدار، با تأکید بر گردشگری در مراکز تاریخی، می‌تواند منشأ بهره‌برداری اقتصادی فراوانی از این مراکز شود. این موضوع، خود بهانه‌ای برای تجدید حیات مراکز تاریخی و موجب بازگرداندن شدن کارکردهای فاخر و برتر با توجه به ظرفیت‌های این فضاها است. حفظ و احیای بافت‌های تاریخی نیازمند همکاری ارگان‌های مختلف دولتی (استانداری، میراث فرهنگی، وزارت مسکن و شهرسازی)، شهرداری و بخش خصوصی است. دادن تسهیلات و امتیازات خاص به مالکین و یا سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و خرید خانه‌های تاریخی توسط ارگان‌های

و جذب گردشگر مورد استفاده قرار گیرد. شناسایی، حفاظت، مرمت و تغییر کاربری خانه‌های باارزش به‌عنوان محل‌های استراحت، مانند هتل و فضاهای فرهنگی-آموزشی، برپایی نمایشگاه‌های هنری، ایجاد کلاس‌های درس دانشگاهی و سمینارها در این فضاها در این موضوع مؤثر است. طراحی مسیرهای پیاده گردشگری، باهدف حفاظت از بافت تاریخی و رونق بخشیدن به صنعت گردشگری، یکی از مهم‌ترین اقدامات برای باززنده‌سازی این فعالیت‌ها به شمار می‌رود.

احیای محله محوری و مفهوم شهروند، کلید رسیدن به هویت شهری است و مدیریت شهری بدون پرداختن به این دو هویت موفق نمی‌شود. در تعریف هویت شهری، توجه به چهار مقوله تاریخی، قلمرو جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی ضروری است. محله فضای تعاملی است که پایه هویت شهری را شکل می‌دهد و از دل آن، مفهوم شهروند شکل می‌گیرد. شکل‌گیری



از خشت‌مالان تا نوآمبار

بناهایی که یک‌به‌یک قد خیم می‌کنند!

خانه‌ها، آب‌انبارها و گرمابه‌ها برای همیشه محو شد. در سال‌های اخیر نیز با افزایش جمعیت، گران شدن زمین و سودآوری ساخت واحدهای مسکونی و اداری متراکم، بعضی از بناهای تاریخی مهم، گاهی توسط مالکین و گاهی توسط شهرداری، تخریب شد. از «خانه وزیری» در محله نوآمبار گرفته که در دهه شصت، شبانه، از بین رفت و فقط گرمابه آن باقی ماند تا خانه «تاکامی» در «محله میرمشهد» که اخیراً در کام‌نوسازی فرو رفته است و به جای همه این خانه‌های ارزشمند، واحدهای تجاری یا مسکونی به اصطلاح مدرن قد برافراشته‌اند. در این بخش از فصلنامه، با آقای حسین اسلامی، مؤسس مرکز ساری‌شناسی، گفت‌وگویی در خصوص محله نوآمبار (آنبار نو) انجام داده‌ایم.

(میرسرروضه)، قراکوی، گاوپوستی (محدوده خیابان مدرس و میدان ساعت)، مسجد زنگو (برگرفته از نام قوم مهاجرزنگیان). از محله‌های قدیمی این شهر نیز می‌توان به محله‌های چناربن، میر سر روضه، قلیچ‌لو محله، آم‌زله‌بن (امام‌زاده عبدالله بن)، بهرام‌اُتر، نوآمبار، چال مسجد و ... اشاره کرد. بارزترین خانه‌های تاریخی را که بعضی از آن‌ها تاکنون باقی مانده‌اند، می‌توان در محله‌های مهم و مرکزی شهر که به عناصر دیگر مانند آب‌انبارها، مسجد جامع و بازار دسترسی بهتری داشته‌اند، مشاهده کرد. متأسفانه در زمان نوسازی دوره‌ی پهلوی اول و احداث خیابان‌هایی مانند خیابان خیام، جمهوری اسلامی، انقلاب، هجده دی و قارن یکپارچگی بین بافت قدیم و محلات از بین رفت و بعضی از آثار فرهنگی گذشته مانند

در نقشه‌های جغرافیایی زمان هخامنشیان، تنها یک شهر در کنار دریای مازندران مشاهده می‌شود و آن «زادکارتا» است. مکان تاریخی شهر زادکارتا، دقیقاً با جایگاه کنونی ساری هم‌خوانی دارد. با مرور تاریخ مازندران می‌توان باور داشت که ساری کنونی روی لایه‌های شهری ساخته شده که از قرون ماقبل از اسلام مرکز ایالت شمالی ایران بوده است. شهر ساری از آغاز پیدایش (بیش از دو هزار سال پیش) تا اوایل دوره قاجار یعنی زمان آقا محمدخان، دارای برج و بارو بوده است. پس از ایجاد امنیت نسبی در زمان قاجار، عملاً برج و بارو رو به ویرانی نهاد.

ساری ۷ محله تاریخی و ۵۱ محله قدیمی دارد. این ۷ محله تاریخی عبارت‌اند از: زرگر محله، سه‌گنبدان، شاه‌غازی (محدوده خیابان هجده دی)، عبدالعظیم



تقابل بافت مدرن با بافت سنتی در محله آب‌انبار نو [O] جواد پوریانی



خانه میرگتی [۵] منوچهر عبدالله زاده

استفاده می‌شد و به دلیل مغایر بودن با نیت و اهداف واقف، مردم به لحاظ اخلاقی مجاز نبودند از آب‌خنک آمبار برای پختن غذا یا حتی دم کردن چای استفاده کنند؛ بنابراین، برای مصارف مختلف مانند پخت غذا و شستن ظرف و لباس، از آب چاه و یا آب جوی که منشعب شده از رودخانه تجن بود، استفاده می‌شد.

• افراد برجسته محله نوآمبار چه کسانی بودند؟

اسلامی: از نظر من، هرانسانی که نان زحمت خود را می‌خورد و سربرار مردم نیست، از نامدارهای محله خود است. از افراد اهل قلم و اندیشه این محله می‌توانم از «حاج حیدرعلی»، بانی تکیه و مسجد و همچنین «حاج حمزه عاشقان»، از شعرای آئینی شهر، نام ببرم. خورشید خانم کنی، بانی ساخت نوآمبار، هم از افراد برجسته محله نوآمبار بود؛ اما به نظر من شجاع‌ترین فردی که در این محله زندگی می‌کرد «خانم

از ساخته شدن آب‌انباری بزرگ در آن، نام محله به «آمبار نو» (آب‌انبارنو) تغییر کرد. به نقل از محمدعلی حیدری (بازمانده خاندان حاج حیدرعلی)، «خورشید خانم کنی»، از خاندان کنی، در سنی بالاتر از چهل سال از تهران به ساری آمد و در محله حاج حیدرعلی ساکن شد. وی تصمیم گرفت از محل ارثیه خود، بانی ساخت آب‌انباری در این محله شود. البته تا قبل از آن، ساری دارای چند آب‌انبار مثل آب‌انبار میرزا مهدی، آب‌انبار چنارین، آب‌انبار میر مشهد و ... بود.

در زبان مازندرانی، مخزن اگر برای جامدات باشد «امبار» و اگر برای مایعات و آب باشد «آمبار» نامیده می‌شود. در نتیجه، آب‌انباری که خورشید خانم بانی ساخت آن شد، آمبار نو یعنی آب‌انبارنو، یا آب‌انباری که از نظر ساخت و ساز نوتر از بقیه آب‌انبارهاست، نامیده شد. علت ساخت آب‌انبار در ساری این بود که مردم در تابستان که هوا بسیار گرم می‌شد، بتوانند از آب‌خنک بهره‌مند شوند. این آب فقط برای سفره غذای مردم

• چرا این محله را به نام نوآمبار یا آب‌انبار نو می‌شناسند؟

اسلامی: محله «نوآمبار» از محلات شرق شهر ساری است که از طرف شمال به «محله شاه‌غازی بن» متصل می‌شود؛ در جنوب آن «محله حاجی‌آباد» قرار دارد؛ از طرف شرق به «اصانلو محله و افغان محله» (بخشی از خیابان قارن فعلی) می‌رسد و غرب آن نیز به «محله عباس‌خانی» (چراغ‌برق فعلی) منتهی می‌شود.

این محله، در گذشته، «خشت مالان» نام داشت و سپس نامش «چاله باغ» شد؛ اما کمی بعدتر، با ساخته شدن یک تکیه به نام «تکیه حاج حیدرعلی» که قدمت آن به اوایل دوره قاجار برمی‌گردد، «محله حاج حیدرعلی» نام گرفت. (در ساری، هر محله یک تکیه داشت و بعضاً نام محله از نام تکیه آن گرفته می‌شد، مثل محله نو تکیه، محله چهار تکیه و محله پیر تکیه.) این محله، حدود پنجاه سال به نام محله حاج حیدرعلی نامیده می‌شد تا این که بعد



آن زمان، اگر حداقل دو اتاق داشت، یک اتاق آبرومندتر را حسینی می‌نامیدند و آن را به عنوان تکیه خانگی در نظر می‌گرفتند. در این صورت، باید در این اتاق هر هفته روزه خوانی می‌شد، حتی اگر مستمعی وجود نداشت. اتاق حسینی حرمتش حفظ می‌شد و دیگر در آن ساز و تنبک و بازی بچه‌ها راه نداشت.

• وضعیت حال حاضر بافت محله را چطور می‌بینید!

اسلامی: اگر در محله نوآمبار گذر کنید خانه‌های تاریخی باارزش، با معماری‌های زیبایی را می‌بینید که مربوط به دوره قاجار هستند. تعداد کمی از این بناها بازسازی شده و هم چنان استوارند از جمله خانه فاضلی، عمارت منوچهر خان کلبادی و حمام وزیری. جالب است بدانید عمارت کلبادی به وسیله سردار جلیل، برای فرزندش امیرنصرت، ساخته شد که به علت مرگ زود هنگام امیرنصرت، سردار جلیل آن را به پسر وی منوچهرخان بخشید. از بناهای در حال بازسازی این محله هم می‌توانم به خانه رمدانی اشاره کنم.

اما متأسفم که بگویم بیشتر بناهای تاریخی این محله، به دلیل بی‌توجهی و بی‌مسئولیتی ما و مسئولین مربوطه، در حال قد خم کردن هستند. باید هرچه سریع‌تر تا بیشتر از این دیر نشده، برای بازسازی این بناهای باارزش از جمله خانه حسین خان سالار یا بهتر است بگویم خانه خانم لقا، خانه میرگتی، خانه صادقان و خانه صفرعلی ناظری اقدام شود. این بناهای کهن نمادهای شهرسازی هستند و فراموش کردن آن‌ها باعث نابودی این میراث کهن می‌شود. گردشگری شهری وقتی رونق می‌گیرد که محله‌های قدیمی را رونق بخشیده و احیا کنیم. حس تعلق فرزندان ما به شهرشان وقتی تقویت می‌شود که بدانند شهر آن‌ها چه پیشینه با شکوهی دارد. تا بیش از این دیر نشده، اقدامی کنیم!

در سال‌های اخیر، با گران شدن زمین و سودآوری ساخت واحدهای مسکونی و اداری متراکم، بعضی از بناهای مهم تاریخی تخریب شد. از «خانه وزیری» در محله نوآمبار گرفته که در دهه شصت، شبانه، از بین رفت و فقط گرمابه آن باقی ماند تا خانه «تاکامی» در «محله میرمشهد» که اخیراً در کام‌نوسازی فرو رفته است.

می‌نشست. هنوز هم قدیمی‌ها به این منطقه می‌گویند: سه‌راه منور. به علاوه، محله نوآمبار یک «واشدگاه» داشت. واشدگاه یعنی بخشی سرگشاده از گذر و کوچه که یک یا چند در به آن باز شود. آب‌انبار در این واشدگاه ساخته شد و در کنار آن نیز تکیه و چند دکان قرار داشت.

• معماری خانه‌ها و بناهای محله نوآمبار به چه صورت بوده است؟

اسلامی: نوآمبار از محلات اعیان‌نشین ساری و به نوعی شریان اصلی رفت‌وآمد در این شهر بوده است؛ بنابراین، اغلب خانه‌های اشرافی که معماری قاجار و پهلوی اول دارند، در این محله قرار گرفته‌اند. شیوه خانه‌سازی در محله‌های اعیان‌نشین بیشتر به این ترتیب بود که چند اتاق در کنار هم قرار می‌گرفتند و یک سکوی رواق به عرض ۱/۵ تا ۲ متر، اتاق‌ها را به هم متصل می‌کرد و نقش راهروی ارتباطی را داشت. بعضی خانه‌ها مطبخ هم داشتند. آن روزها، فقط خانه‌های اشرافی حمام اختصاصی داشتند و مردم عادی از حمام‌های عمومی استفاده می‌کردند. محله نوآمبار هم چند حمام عمومی داشت به نام‌های «حمام قاسم کوسه، حمام سیدرضا و حمام سید معصومه» که این‌ها آخری بین محله حاجی‌آباد و نوآمبار بود. بیشتر خانه‌های

لقا»، همسر حسین خان سرهنگ (برادر سردار جلیل)، بود که من او را بزرگ‌خاندان کلبادی می‌دانم. خانم لقا در جریان مشروطه و حمله به ساری فداکاری‌هایی کرد و جان بسیاری از همشهری‌ها را نجات داد. در زمان انقلاب مشروطه، سواران برق به فرماندهی «دیوسالار» که بعدها معاون «یفرم» (فرمانده کل تفنگچیان مشروطه) شد، ساری را اشغال کردند. با توجه به سابقه دیوسالار که مباشر «سپه‌سالار تنکابنی» در ساری و اطراف آن بود و همچنین خورده حساب‌های ارباب-رعیتی و درگیری‌هایی که با «شیخ غلامعلی مجتهد» (پدربزرگ مرحوم دکتر شهیدی) داشت، در آن آشفته‌بازار انقلاب، به ساری حمله و اموال مردم سرشناس را غارت کرد. شازده حسامی (رئیس تلگراف‌خانه) و شیخ غلامعلی مجتهد، روز نوزدهم ماه مبارک رمضان، در سبزه میدان اعدام شدند. سواران دیوسالار، خانه حسین خان سالار و سردار جلیل کلبادی که از سلطنت‌طلبان محسوب می‌شد را اشغال و تعدادی از مردم را در آنجا محبوس کردند. بالاخره با به میدان آمدن خانم لقا و تهدید وی اوضاع آرام شد. او با شجاعت و تنها با یک جمله محکم آتش فتنه را در شهر خاموش کرد: «چادر از سر می‌گیرم». شجاعت خانم لقا و تهدیدش چنان کارساز شد که قائله را خواباند.

• ساختار کلی این محله چگونه بود؟

اسلامی: در محلات قدیمی ساری، اهالی محل بعضی کوچه‌ها و یا سه‌راهی‌ها را به نام شخص خاصی که آنجا زندگی می‌کرد، می‌شناختند. مثلاً در وسط محله نوآمبار، مجاور خانه فاضلی، در ابتدای کوچه‌ای که به سمت خیابان قارن فعلی می‌رود، در یک اتاق دو در دوی گلی با سقف بسیار کوتاه، خانمی میان سال به نام «منور» زندگی می‌کرد. اتاق این خانه، تنها یک ورودی کوچک داشت و فاقد پنجره بود. منور در تابستان و زمستان جلوی خانه‌اش

فرشتگان در آتش!

نگاهی به معضل کودک آزاری





حمیده فضل علی*

بنیتا، آتنا، اهورا، ستایش، کیمیا، احد و صمد، ندا، نازنین و ... برای اغلب ما نام‌هایی آشنا هستند؛ کودکانی مظلوم که دیو کودک‌آزاری آن‌ها را به کام خود کشید، سرنوشتشان جامعه را متأثر و خشمگین کرد اما بعد از مدتی به دست فراموشی سپرد؛ تا زمانی که دوباره نام دیگری به این طومار اضافه شود و صفحات روزنامه‌ها و فضاهاى مجازى پُر شود از اخبار پدران بی‌رحم، مادران سنگدل، ناپدری و نامادری‌های سفاک و یا غریبه‌های شیطان‌صفتی که کودک بی‌پناهی را شکنجه کرده و آزار داده‌اند، او را به کام مرگ کشانده‌اند و یا آسیب‌های جبران‌ناپذیر روحی و جسمی بر او وارد آورده‌اند؛ اما سوال اساسی این است که بالاخره چه باید کرد؟ آیا راهی برای توقف و یا کاهش کودک‌آزاری وجود دارد؟

براساس ماده یک پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق کودک که کشور ما نیز در سال ۱۳۷۳ آن را پذیرفته است، تمامی افراد زیر هجده سال کودک محسوب می‌شوند و از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مخصوص به خود برخوردارند. هر یک از ما به عنوان پدر، مادر و یا سرپرست کودک باید در نظر داشته باشیم فارغ از هرگونه مشغله شغلی، تحصیلی و ناملايمات زندگى در برابر فرزندان دارای مسئولیت هستیم، توجه و مراقبت از آن‌ها بر عهده ما است و سهل‌انگاری و غفلت ما ممکن است کودک را در معرض آسیب‌های روانی و جسمی قرار دهد.

❖ کودک‌آزاری چیست؟

برای مقابله با هر معضل در ابتدا باید آن را به درستی شناخت؛ معضل کودک‌آزاری نیز از این قاعده مستثنی نیست. غفلت، بدرفتاری‌های جسمی و عاطفی، سوءاستفاده‌های جنسی و استثمار کودکان که منجر به آسیب بالقوه

به سلامتی، نحوه رشد و یا ارزش و شأن کودک می‌گردد را کودک‌آزاری می‌نامیم. در ادامه هرکدام از این موارد به صورت مختصر تعریف می‌گردد:

غفلت: هرگونه بی‌توجهی به نیازهای جسمانی، پزشکی، آموزشی و عاطفی کودک، نوعی کودک‌آزاری قلمداد می‌شود. مسائلی همچون مشکلات خانوادگی، مشکلات اقتصادی، دغدغه‌های مختلف والدین و یا فقر فرهنگی خانواده، زمینه‌ساز بروز این نوع کودک‌آزاری است. به علاوه،



باید بدانیم که برخلاف تصور عموم، اغلب کودک‌آزاری‌های جنسی، نه توسط افراد غریبه، بلکه توسط افراد آشنایی که کودک آن‌ها را می‌شناسد، اتفاق می‌افتد. به علاوه، بازهم برخلاف تصور عموم، پسرها بیشتر از دخترها مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند.

کودکانی که شاهد خشونت کلامی و یا فیزیکی والدین‌شان هستند نیز در معرض خطر غفلت قرار دارند. باید بدانیم اگرچه این کودکان به صورت مستقیم، قربانی خشونت محسوب نمی‌شوند اما مشاهده مشاجرات والدین و یا سرپرستان می‌تواند به کودک آسیب‌های روحی وارد نماید. کودکان، بسته به گروه سنی که در آن قرار گرفته‌اند، خشونت واقع شده در خانواده را به نوعی تفسیر می‌کنند. تأثیری که این خشونت بر آن‌ها می‌گذارد، تعیین‌کننده رفتاری‌هایی است که بعداً در جامعه از خود نشان می‌دهند.

کودک‌آزاری جسمی: استفاده عمدی از قدرت فیزیکی در برابر کودک که منجر

به آسیب به سلامت وی می‌شود؛ مواردی همچون کتک زدن، تکان دادن شدید، هل دادن، گاز گرفتن و سوزاندن. کودک‌آزاری جسمی از شایع‌ترین انواع کودک‌آزاری است.

کودک‌آزاری عاطفی یا هیجانی: این نوع کودک‌آزاری زمانی اتفاق می‌افتد که والدین محیط مناسب و لازم برای رشد و تکامل فرزند خود را فراهم نمی‌آورند؛ اقداماتی همچون محدود کردن بیش از حد فعالیت‌های کودک، دست‌کم گرفتن، تحقیر، تهدید، ایجاد ترس، تبعیض، تمسخر و ایجاد حس عذاب وجدان در کودک از انواع این آزار است.

کودک‌آزاری جنسی: درگیر کردن کودک در رفتارهای جنسی همچون تماس فیزیکی با نواحی جنسی، وادار نمودن کودک به انجام رفتارهای جنسی، آزارهای جنسی غیر تماسی مثل وادار کردن کودک به نمایشگری به قصد هرزه‌نگاری و وادار نمودن کودک به مشاهده صحنه‌های هرزه‌نگاری از انواع این کودک‌آزاری تلقی می‌شود.

باید بدانیم که برخلاف تصور عموم، اغلب کودک‌آزاری‌های جنسی، نه توسط افراد غریبه، بلکه توسط افراد آشنایی که کودک آن‌ها را می‌شناسد، اتفاق می‌افتد. به علاوه، بازهم برخلاف تصور عموم، پسرها بیشتر از دخترها مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند. برای حفاظت از کودک در مقابل این نوع کودک‌آزاری، والدین باید از سن سه سالگی آموزش مراقبت‌های جنسی را برای کودک در نظر بگیرند یعنی باید به کودکان نواحی خصوصی و حلقه افراد مجاز را آموزش دهند. پیشنهاد می‌شود قبل از ارائه این آموزش‌ها از کمک یک مشاور استفاده کنید تا اثرگذاری بهتری داشته باشد.

استثمار: به معنای استفاده از کودک در کار یا فعالیتی است که منافع حاصل از آن نصیب دیگران می‌شود. وادار نمودن کودک به کارگری، تکدی‌گری، زباله گردی و کار در کارگاه‌های زیرزمینی از انواع این نوع آزار است.

* کارشناس ارشد روانشناسی بالینی



محسوب می‌شود، کودک کار در معرض انواع ناملایمات و آزارهای روحی، جنسی و جسمی قرار دارد.

بنابراین چه گفته شد ممکن است تصور کنیم کودک‌آزاری تنها در خانواده‌هایی که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی از طبقات پایین جامعه محسوب می‌شوند، اتفاق می‌افتد؛ اما متأسفانه این معضل و آسیب اجتماعی ممکن است در هر خانواده‌ای و با هر شرایط زندگی رخ دهد. سوء رفتار نسبت به کودک می‌تواند منجر به آسیب‌های گسترده فیزیکی، روحی و اجتماعی شود که هم برای کودک و هم برای جامعه پُر هزینه است. کمک گرفتن از متخصصان برای آموختن مهارت‌های مورد نیاز برای رفتار با کودکان و همچنین تمرین مهارت کنترل خشم می‌تواند جامعه را از خطرات احتمالی در آینده نجات دهد. لازم است بدانیم طبق قانون، کودک‌آزاری یک جرم عمومی است و نیازی به شاکی خصوصی ندارد و هرگاه موردی از کودک‌آزاری اعلام شود، دادستان موظف به بررسی آن است.



کار کودک فعالیت است که متناسب با شرایط جسمی و روحی کودک نباشد، مانع از تحصیل، تفریح، بازی و معاشرت او با گروه همسالانش شود و او را از تجربه دوران کودکی محروم کند. ماده ۳۲ پیمان نامه حقوق کودک بیان می‌کند که کودکان باید در برابر هر کاری که رشد و سلامت آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد، حمایت شوند.

سوء رفتار نسبت به کودک می‌تواند منجر به آسیب‌های گسترده فیزیکی، روحی و اجتماعی شود که هم برای کودک و هم برای جامعه پُر هزینه است. کمک گرفتن از متخصصان برای آموختن مهارت‌های مورد نیاز برای رفتار با کودکان و همچنین تمرین مهارت کنترل خشم می‌تواند جامعه را از خطرات احتمالی در آینده نجات دهد.

🔴 کار کودک مصداق بارز کودک‌آزاری است

کار کودک فعالیتی است که متناسب با شرایط جسمی و روحی کودک نباشد، مانع از تحصیل، تفریح، بازی و معاشرت او با گروه همسالانش شود و او را از تجربه دوران کودکی محروم کند. ماده ۳۲ پیمان نامه حقوق کودک بیان می‌کند که کودکان باید در برابر هر کاری که رشد و سلامت آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد، حمایت شوند و دولت‌ها موظف به تعیین سن و شرایط کار کودکان هستند. سازمان جهانی کار (ILO) اعلام کرده است: هر سال حدود ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله در جهان از دوران کودکی محروم می‌شوند و ۱۲۰ میلیون نفر از آن‌ها به بازار کار وارد شده و برای امرار معاش خود و خانواده، تمام وقت، کار می‌کنند؛ متأسفانه آمار دقیقی از تعداد کودکانی که در کشور ما به چرخه کار وارد می‌شوند، وجود ندارد. فقر خانواده، اعتیاد، مهاجرت و وخامت شرایط اقتصادی جامعه از عوامل افزایش تعداد کودکان کار محسوب می‌شود. علاوه بر آن که کار کودک نوعی کودک‌آزاری

معلولان

• انسان هایی که در یک شهر نفس می کشند از حقوق برابر برای استفاده از امکانات شهرشان برخوردارند. به حقوق معلولین چقدر اهمیت داده می شود؟

• مهم دانستن نیازهای معلولان، آماده سازی بستر شهری برای حضور آنان و دیدن استعداد های آنان، گامی هایی است برای توانمند سازی معلولان و افراد کم توان.

• با وجود همه محدودیت هایی که در معابر عمومی برای معلولان وجود دارد، بسیاری از آنان با تلاش های فراوان خود در عرصه های مختلف فرهنگی، هنری، ورزشی و تحصیلی جزو افراد موفق و پیشرو هستند.

• مناسب سازی محیط شهری و فضاهای عمومی با رعایت اصول مهندسی و فنی در واقع به رسمیت شناختن حقوق معلولان است و نقش مهمی در آسایش، توانمند سازی و بهره گیری از تمام امکانات و تردد آسان این قشر دارد.



حاشیه نشینان

• در حاشیه شهرها مان چه آسیب های اجتماعی و فرهنگی وجود دارد؟

• اعتیاد، فقر و کودک آزاری در مناطق حاشیه بیداد می کند.
• چهره نامطلوب بصری و آلودگی های محیطی و همچنین درآمدزایی های مسموم بخشی از هویت این جوامع است.

• افزایش فضاهای فرهنگی و اجتماعی و گسترش سازوکارهای توسعه انسانی می تواند تاحدی از حاشیه های نامطبوع مناطق حاشیه بکاهد.
• حاشیه نشینان هم حق دارند طعم نشاط، رفاه و توسعه را بچشند.



زنان

• فضاهای عمومی شهری باید پتانسیل و ظرفیت لازم را برای حضور همه شهروندان از جمله زنان داشته باشد.

• توانمندی زنان، به دلیل شرکت ندادن آن ها در تصمیم گیری های مدیریتی و دستگاه های اجرایی، در زیرقاب مدارک تحصیلی شان خاک می خورد.

• آگاهی و شناخت نسبت به ضرورت حضور زنان در فضاهای عمومی و شناخت تفاوت های زنان و مردان در ساخت فضاهای شهری، نخستین گام ها در محدودیت زدایی حضور زنان در جامعه است.

• اغلب خشونت ها از خانواده نشات گرفته و بعد به جامعه کشیده می شود.



ساری؛ شهری مناسب برای همه

حق فراموش شده توان خواهان بر شهر

چرا در خیابان های شهرمان معلولان را نمی بینیم؟



زهرا زلیکانی

مناسب سازی فضاهای عمومی
از سال ۱۳۸۶ که وزارت مسکن و شهرسازی بحث مناسب سازی فضاهای عمومی، محیط های شهری و معابر را، در قالب قانون جامع حمایت از معلولان، مطرح کرد، همه ارگان ها و نهادها موظف شدند ادارات و سازمان های تحت پوشش خود را برای دسترسی توان خواهان بازسازی کنند. شهرداری های کل کشور نیز موظف شدند معابر عمومی را برای عبور و مرور آسان افراد با نیازهای ویژه اصلاح و بازسازی کنند و در اجرا و ساخت معابر جدید نیز نیاز این افراد را مورد توجه قرار دهند.

شهرداری ساری نیز، به حد توان خود، به مناسب سازی معابر توجه می کند و اگر نگوییم یکی از مهم ترین دغدغه های مدیریت شهری حضور فعال توان خواهان در جامعه است، می توانیم ادعا کنیم این مسئله همواره مورد توجه این مجموعه قرار دارد. در معاونت فنی و عمرانی شهرداری ساری تیمی با هدف مناسب سازی، به سازی و اصلاح ساختار معابر فعالیت می کند. وظیفه این تیم، رصد امکان و معابر شهری، گزارش مشکلات توان خواهان برای استفاده از این معابر و تلاش برای اصلاح ساختار و رفع این مشکلات است. شهرداری ساری تاکنون اقدامات خوبی را در راستای مناسب سازی معابر عمومی و فراهم کردن زمینه حضور آسان توان خواهان در شهر انجام داده است. تعبیه خطوط موزایک ریلی و دکمه ای در پیاده روها برای نابینایان و کم بینایان، نصب رمپ در نقاط مختلف شهر برای تردد آسان ویلچر سواران و مناسب سازی کوچه و خیابان محل زندگی توان خواهانی که توسط بهزیستی نامشان اعلام می شود، نمونه هایی از این اقدامات است؛ هر چند که

می کنند. روزانه چند نفر از این معلولان را در خیابان های این شهر می بینیم؟ به طور حتم، کم دیده شدن یا گم شدن آن ها در ازدحام ما آدم های غیر معلول (!) مربوط به کم بودن تعدادشان نیست. به راستی، معلولان کجا هستند؟ چرا آن ها را در خیابان های شهرمان نمی بینیم؟ طبق ماده دو قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، کلیه سازمان های دولتی و عمومی موظفند در طراحی و احداث ساختمان ها، اماکن عمومی، معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره مندی از خدمات آن ها برای معلولان همچون افراد عادی فراهم گردد. حق دسترسی و فراهم کردن امکانات لازم برای تحقق این امر بسیار مهم است. همه معلولان یا همه افراد با نیازهای ویژه برای حضور راحت و امن در جامعه به فضای عبور و مرور مناسب نیازمندند. مناسب سازی معابر و مسیرها، ساختمان ها و ادارات، مراکز تفریحی و درمانی و ... به همه افراد امکان دسترسی برابر به این اماکن و بهره مندی از امکانات آن را می دهد.

معلولیت، نقص جسمی-حرکتی، توان خواهی یا هر چه که اسمش را بگذاریم؛ درصدی از افراد همه جوامع در قالب این تعاریف می گنجند. اغلب ما همیشه فکر می کنیم مرگ برای همسایه است؛ بیماری، معلولیت و از کارافتادگی هم همین طور. اما آیا تا به حال به این فکر کرده ایم که چند درصد افراد با معلولیت به دنیا می آیند؟ یا چند درصد افراد در اثر تصادف، بیماری یا کهولت سن، هر ساله، به تعداد معلولان اضافه می شوند؟ آیا می دانیم فاصله بین سلامتی و معلولیت به تار مویی بند است و هر کدام از ما ممکن است روزی معلول یا توان خواه نام بگیریم؟ به شرایط زندگی آنان و امکاناتی که در جامعه و فضاهای شهری برایشان فراهم است (یا فراهم نشده) دقت کرده ایم؟ در مورد نقش مدیریت شهری، ارگان های خدماتی و حمایتی و حتی نقش خودمان در حمایت از توان خواهان می دانیم؟

معلولان کجا هستند؟

بهزیستی مازندران از وجود ۵۸ هزار و ۸۱۰ معلول در این استان خبر می دهد که شماری



نمایی از بازار ساری [O] منوچهر عبدالله زاده



منوچهر عبدالله زاده

تک تک اعضای آن است؛ با هر شرایط و ویژگی که داشته باشند. توان خواهان تنها در نوع حرکت، نوع دیدن و شنیدن، و یا نوع اندیشیدن با سایر افراد تفاوت‌هایی دارند نه در حق بر شهر و دستیابی به حقوق شهروندی. همه ما، با هر نقش و فعالیتی که در جامعه داریم، موظفیم این حق را به رسمیت بشناسیم و برای حضور فعال و موثر توان خواهان در جامعه تلاش کنیم. یادمان باشد کیفیت یک جامعه به چگونگی رفتار آن با آسیب‌پذیرترین افراد آن جامعه مرتبط است. علیرضا دادگر

و مشکلات این قشر در دستیابی به حقوق انسانی‌شان است. تحقیر، ترحم و نگاه منفی به توان خواهی در کنار عدم آگاهی از مشکلات و شرایط زندگی آنان تیغ زهرآگینی است که لبه تیز آن جامعه توان خواهان را هدف قرار می‌دهد. اگر دولت موظف به فراهم ساختن زیر ساخت‌ها و شهرداری‌ها موظف به مناسب‌سازی معابر و مسیرهای دسترسی برای توان خواهان هستند؛ ما شهروندان هم موظف به افزایش آگاهی، اهمیت به حقوق توان خواهان و حفظ کرامت انسانی آن‌ها هستیم. ما یک جامعه داریم که متعلق به

این اقدامات کافی نیستند. متأسفانه تیم مناسب‌سازی معابر شهری برای انجام مطلوب وظایف خود با موانع و مشکلاتی روبه‌رو است. مثلاً به علت بافت قدیمی بسیاری از معابر اصلی شهر و نبود فضای کافی، شهرداری ساری تاکنون موفق نشده ایستگاه‌های مخصوص معلولان برای استفاده از وسایل نقلیه عمومی را در سطح شهر بسازد و یا تعدادی از وسایل نقلیه عمومی را برای استفاده آسان آنان تجهیز کند.



علاوه بر بحث مناسب‌سازی فضاهای شهری و اصلاح زیرساخت‌ها، شهرداری ساری از سال‌های گذشته در یکی از خانه‌های شهروندی به توان خواهان خدمات تخصصی ارائه کرده است. این خدمات نقش مهمی در تقویت اعتماد به نفس این افراد و حمایت روحی از خانواده‌هایشان دارد. این خدمات همچنان در این خانه شهروندی ارائه می‌شود.

رمپ‌های زنجیر شده!

کارشناس مناسب‌سازی معابر شهرداری ساری در پاسخ به این پرسش که «چرا رمپ‌ها یا بریدگی‌هایی که برای عبور و مرور آسان توان خواهان تعبیه شده با زنجیر مسدود شده‌اند؟» می‌گوید: «علت این کار عبور موتورسیکلت‌ها از این رمپ‌ها و بریدگی‌ها و وقوع چندین و چند تصادف و صدمه به عابرین است. همین تصادف‌ها و شکایت‌های مردمی ناشی از آن باعث شده به ناچار این محل‌ها مسدود شوند.» او این نمونه را تنها مشتی از خروار می‌داند؛ خروارهای بی‌توجهی و مصادره ناآگاهانه اندک امکانات تعبیه شده برای توان خواهان در فضاهای شهری.

متأسفانه کمبود آگاهی‌های عمومی نسبت به موضوع توان خواهی یکی از مهم‌ترین معضلات



مدیران شهری در بهبود و تسهیل وضعیت حضور توان خواهان در اجتماع نیست. مسلماً جامعه توان خواهان برای استفاده از فضاهای شهری دغدغه‌هایی دارند؛ برای مثال می‌توان به مشکلات آن‌ها در عبور از خیابان، عبور از پیاده‌روها، استفاده از اتوبوس، قطار، مترو و تاکسی، پل عابر پیاده و هم‌چنین استفاده از فضای‌های عمومی مانند ادارات، مغازه‌ها، مراکز خرید و مراکز تفریحی اشاره کرد. قانون جامع حمایت از معلولان در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و از سال ۱۳۸۶، بحث مناسب‌سازی اماکن عمومی، محیط‌های شهری و هم‌چنین معابر برای افراد ناتوان و معلول از سوی وزارت مسکن و شهرسازی پیشنهاد شد و از سال ۱۳۸۷ نیز اجرای آن مورد تأکید قرار گرفت. مناسب‌سازی محیط شهری در واقع به معنای اصلاح محیط و تدارک وسایل حمل‌ونقل است، به‌طوری‌که افراد معلول قادر باشند آزادانه و بدون خطر در محیط پیرامون خود، اعم از اماکن عمومی، معابر، محیط شهری و بین شهری و ساختمان‌های عمومی، حرکت کنند و از تسهیلات محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با حفظ استقلال فردی و رعایت شأن و منزلت انسانی بهره‌مند شوند. بنابراین، ابتدا باید راه ورود به مکان‌های تفریحی و عمومی برای این افراد مناسب شود، سپس استفاده از امکانات داخلی فضا، مانند بوستان‌ها و مراکز تفریحی، در اولویت قرار گیرد.

ساری از پیشگامان بهسازی معابر شهری برای توان خواهان

ساری در زمینه بهسازی معابر یکی از پیشروترین شهرهای شمال کشور است. برای مثال، شهرداری ساری برای عبور نابینایان و کم‌بینایان از پیاده‌روها اقدامات مطلوبی انجام داده است. برای نابینایان، خطوط موزاییک ریلی قرار داده شد که از طریق برخورد عصا با آن به مسیر خود ادامه دهند و موزاییک‌های دکمه‌ای هم در انتهای راه‌ها قرار داده شد تا افراد از پایان مسیر مطلع شوند. موزاییک‌های زرد رنگی هم که در بیشتر پیاده‌روهای شهر



استفاده از امکانات و فضای شهری برایشان راحت نباشد، جامعه هدف مناسب‌سازی معابر و اماکن عمومی هستند. مقوله مناسب‌سازی فضای شهری برای معلولان و ناتوانان جسمی، که به علت بیماری، حادثه و یا رسیدن به دوران سالمندی ناتوانی را تجربه می‌کنند، از نکات مهمی است که علاوه بر ایجاد شرایط حضور افراد معلول در جامعه، زمینه بروز استعدادها و توانمندی‌های آنان را نیز مهیا می‌کند. البته ذکر این نکته ضروری است که باوجود همه محدودیت‌هایی که معلولان برای حضور در جامعه دارند، این افراد، همواره با تلاش‌های فراوان، در عرصه‌های مختلف فرهنگی، هنری و ورزشی جزو افراد موفق و پیشرو بوده و هستند؛ اما این موفقیت‌ها و توانمندی‌ها ساقط‌کننده نقش و مسئولیت

همه انسان‌هایی که در یک شهر زندگی می‌کنند از حقوق برابر برای استفاده از امکانات شهری برخوردارند و در وهله اول، انتظار دارند فضای عبور و مرور مناسب و راحتی برایشان فراهم باشد؛ اما خواه‌ناخواه بعضی از شهروندان برای استفاده از امکانات شهری و حتی عبور از معابر شهری با محدودیت‌هایی روبرو هستند. معلولیت و کم‌توانی محدودیت‌هایی را برای توان خواهان ایجاد می‌کند؛ بنابراین، مدیران شهری باید با فراهم ساختن امکانات عمومی، فعالیت‌های این افراد را در سطح شهر تسهیل کنند؛ در غیر این صورت سبب می‌شوند دردی بردردهای آنان افزوده شود. معلولین، جانبازان، سالمندان، مادران باردار، پدران و مادرانی که کالسکه‌کودکشان را حمل می‌کنند و همه کسانی که ممکن است عبور و مرور

مشاهده می‌شوند، برای آگاه‌سازی کم‌بینایان تعبیه شده تا مسیر برای آن‌ها مشخص شود. به‌علاوه، سعی شده فاصله مطمئن این موزاییک‌های ریلی با دیوار، درختان، جوب و خیابان حفظ شود تا مشکلی برای این افراد به وجود نیاید.

برای تردد آسان معلولین جسمی-حرکتی که با ویلچر و عصا در شهر تردد می‌کنند، هم اقداماتی باید انجام شود. تلاش شده در بسیاری از مکان‌های عمومی مانند پارک‌ها، بوستان‌ها، ادارات و بانک‌ها با نصب و تعبیه رمپ و آسانسور، عبور و مرور این افراد تسهیل شود. در همین راستا، شهرداری ساری در ورودی پارک‌ها، رمپ‌هایی ویژه معلولین و سالمندان قرار داده است. برای نمونه می‌توان به پل رمپی پارک قائم اشاره کرد که هم ویلچر و هم دوچرخه می‌توانند به راحتی از آن عبور کنند. کارگروه بهسازی معابر نیز به‌طور دائم از مکان‌ها و معابر شهری دیدن کرده و در صورت استاندارد نبودن این تجهیزات، حتماً دستگاه و سازمان مربوطه را ملزم به مناسب‌سازی می‌کند. البته، مشکل اصلی در مناسب‌سازی فضا مربوط به ادارات استیجاری است؛ زیرا این ادارات اجازه تغییرات در بدنه ساختمان را ندارند و یا به دلیل عدم مالکیت ساختمان نمی‌توانند بودجه کافی صرف مناسب‌سازی آن نمایند. با توجه به این‌که رفته‌رفته بر بلندای ساختمان‌های ساخته‌شده در محیط‌های شهری افزوده می‌شود، سازندگان باید در ساختن آپارتمان‌ها نیاز معلولین و توان‌خواهان را در نظر بگیرند و با اقدامات مقتضی همچون نصب رمپ و آسانسور تا طبقه همکف ساختمان، شرایط را برای زندگی آنان تسهیل کنند.

برای استفاده معلولین یا سالمندان از وسایل نقلیه عمومی درون شهری، ایستگاه‌های مخصوص و سکوهایی برای سوار شدن آن‌ها مورد نیاز است. متأسفانه شهرداری ساری به دلیل بافت قدیمی شهر و نبود فضای کافی، تاکنون، اقدامی در این زمینه انجام نداده است. امیدواریم در آینده چاره‌ای برای این موضوع اندیشیده شود که تحقق آن در راستای

وظایف سازمان اتوبوس‌رانی است.

این موضوع هم قابل ذکر است که بنا به درخواست بهزیستی، محل زندگی معلولان توسط همکاران شهرداری مناسب‌سازی می‌شود. به‌عنوان مثال، ممکن است فرد معلولی در خانه‌ای زندگی کند که در مقابل آن جوی یا جدول، بدون پل، قرار داشته باشد و او برای تردد به خانه دچار زحمت شود. این موضوع توسط سازمان بهزیستی اطلاع‌رسانی



سازی در زمینه بهسازی معابر یکی از پیشروترین شهرهای شمال کشور است. در پیاده‌روها، برای نابینایان، خطوط موزاییک ریلی قرار داده شد که از طریق برخورد عصا با آن به مسیر خود ادامه دهند و موزاییک‌های دکمه‌ای هم در انتهای راه‌ها قرار داده شد تا افراد از پایان مسیر مطلع شوند. موزاییک‌های زرد رنگی هم که در بیشتر پیاده‌روهای شهر مشاهده می‌شوند، برای آگاه‌سازی کم‌بینایان تعبیه شده تا مسیر برای آن‌ها با آن رنگ مشخص شود.

و در اسرع وقت، شهرداری نسبت به حل مشکل در محل زندگی آن معلول اقداماتی انجام می‌دهد.

تردد از خیابان سخت‌تر از صعود به قله کوه

رد شدن از خیابان یکی از دغدغه‌های مهم افراد دارای محدودیت است. می‌دانیم که برای گذر عابر پیاده از خیابان تنها دوراه وجود دارد؛ یکی گذر از خیابان و البته استفاده از خط عابر پیاده و دیگری عبور از روی پل عابر پیاده. تصور کنید شخصی با ویلچر می‌خواهد از یک طرف به طرف دیگر خیابان برود. بریدگی‌های کوچکی برای گذر این افراد در نقاط مختلف بلوارها تعبیه شد اما به دلیل عبور موتورسواران از این بریدگی‌ها و خطر آفرینی‌های متعدد،

به ناچار تصمیم گرفته شد این بریدگی‌ها بسته شود. در نتیجه، راکب ویلچر ناچار است از دوربرگردان‌های ماشین‌رو عبور کند. راه دیگری که برای عبور از خیابان ذکر شد، پل‌های عابر پیاده است. سؤال این جاست که آیا شخص با ویلچر و عصا می‌تواند از پل‌های چند ده پله‌ای استفاده کند؟ مسلماً پاسخ منفی است. این افراد به پل‌هایی با پله برقی و رمپ مخصوص نیاز دارند اما متأسفانه تاکنون پل‌های عابر پیاده شهرسازی به آن مجهز نشده‌اند. البته ذکر این نکته ضروری است که مغازه‌داران و کسبه اجازه احداث پله برقی را در پل‌های عابر مقابل مغازه خود نمی‌دهند زیرا معتقدند مانع دید مغازه آن‌ها می‌شود! باوجود این مشکلات، تقریباً راهی امن برای عبور فرد معلول از خیابان نمی‌ماند.

در بودجه‌بندی‌های سالانه، همواره شهرداری مواردی برای ورزش و کتاب‌خوانی در نظر می‌گیرد اما بودجه‌ای برای این بخش مهم به صورت اختصاصی در نظر گرفته نشده است. سازمان بهزیستی استان مازندران و یا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استانداری مازندران باید برای بهسازی اماکن شهری برای معلولان اعتباری در نظر بگیرد و پیشنهاد دهد تا شهرداری نیز ردیف بودجه خاصی برای این امر مشخص کند. باید با نگاه عدالت محور نسبت به مناسب‌سازی معابر و مکان‌های عمومی برای حضور همه اقشار در اجتماع اقدام و فرصت‌های برابر و عادلانه را برای همه افراد ایجاد کرد. رعایت نکردن قوانین مناسب‌سازی در سطح شهر مسائل و مشکلات زیادی را برای معلولین، جانبازان، سالمندان، افراد کم‌توان و زنان باردار ایجاد می‌کند. مناسب‌سازی محیط شهری و فضاهای عمومی با رعایت اصول مهندسی و فنی در واقع به رسمیت شناختن حقوق معلولان است و نقش مهمی در آسایش، توانمندسازی و بهره‌گیری از تمام امکانات و تردد آسان این قشر دارد. تنها، روزی که خود معلولین بگویند که دیگر برای رفت‌وآمد در فضاهای شهری و استفاده از امکانات شهری مشکلی ندارند، آن زمان می‌توانیم بگوییم که رسالت خود را در این زمینه انجام داده‌ایم.

ققنوس های خاکسترنشین

نگاهی به آسیب های ناشی از اعتیاد در زنان مصرف کننده

شاه بی بی و شوهرش تصمیم گرفتند برای تامین هزینه های زندگی و فرار از خشکسالی و بی آبی، مثل خیلی از مردم شهر و روستایشان، مهاجرت کنند؛ بنابراین، از زابل به ساری آمدند. در ساری، شاه بی بی، در حالی که حتی پول خرید یک گاری را نداشت، به همراه هفت فرزند قد و نیم قدش ضایعات جمع می کرد. محمدنّه ماهه بود که مادرش او را در فرغون، کنار زباله ها، می گذاشت و بقیه بچه ها با گونی به دنبالش حرکت می کردند.



فاطمه شاکری*



صفورا پورشریعه*

افزایش است. نهم اسفند ۱۳۹۷، اولین مرکز اقامتی بهبود و بازتوانی زنان با اختلال مصرف مواد با مجوز رسمی اداره کل بهزیستی استان مازندران، با ظرفیت سی نفر، در ساری افتتاح شد. مرکز «کنام ققنوس» به همت ملیحه شاکری، کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، باهدف بهبودی پایدار و ارائه خدمات اجتماعی، سم زدایی و بازتوانی سوء مصرف مواد شروع به فعالیت کرد. در این مرکز، خدماتی چون برگزاری جلسات مشاوره، گروه درمانی و ماتریکس درمانی، برگزاری جلسات با خانواده بیماران و پذیرش بیماران ترخیص شده به عنوان مهمان، برای به حداقل رساندن خطر لغزش، ارائه می شود. همچنین، بیماران متجاهر پذیرش شده و خدماتی مشابه با سایر بیماران دریافت می کنند. از اهداف مهم این مرکز در آینده ای نزدیک، کارآفرینی و توانمندسازی بانوان بهبودیافته جهت کاهش لغزش است. از آغاز فعالیت «کنام ققنوس» تاکنون، ۱۰۴ بیمار در بازه سنی ۱۸ تا ۶۵ سال پذیرش شده اند. بررسی های صورت گرفته از بیماران نشان می دهد بیشترین گرایش به مصرف شیشه و هروئین است.

*پژوهشگر اجتماعی

در اثر سرما در تهران، نگهداری از معتادان متجاهر، به خصوص زنان معتاد متجاهر، به عنوان یک معضل جدی اجتماعی در عرصه عمومی مطرح شد و مراکز ترک اعتیاد موظف به نگهداری از آنان شدند تا آسیب های ناشی از این پدیده به حداقل برسد. از این رو، در سال های اخیر تعداد مراکز اقامتی- بهبودی بانوان در کشور باهدف سلامت و بازتوانی زنان معتاد رو به



با توجه به زنانه تر شدن اعتیاد، جمعیت ده درصدی جامعه زنان معتاد و این که اکثر زنان معتاد به دلیل ترس از طرد شدن از طرف خانواده و آسیب هایی که گریبان گیر فرزندان شان می شود، اعتیاد خود را کتمان می کنند، تمام تلاش این مرکز علاوه بر ترک اعتیاد، تقویت اعتماد به نفس، احساس مسئولیت پذیری، کاهش اضطراب و افسردگی زنان معتاد است.

اعتیاد به عنوان یک آسیب اجتماعی رو به افزایش، گریبان گیر اقشار مختلف جامعه شده است. هرچند اعتیاد به مواد مخدر در مردان بیشتر از زنان است اما در چند سال اخیر، نرخ اعتیاد زنان نیز روند صعودی در پیش گرفته است. واقعیت موجود اعتیاد زنان بیشتر از آمارهایی است که اعلام می شود زیرا بسیاری از زنان به دلایل متعدد همچون ترس از آبرو و شرایط خانوادگی اعتیاد خود را پنهان و کتمان می کنند. ازجمله عوامل مهم روی آوردن زنان به مواد مخدر می توان به فقدان شناخت به مشخصات مواد و پیامدهای ناگوار مصرف آن، حس کنجکاوی، عدم اعتماد به نفس، ضعف اراده، احساس تنهایی، اختلاف پدر و مادر، خشونت خانگی، نارضایتی از زندگی مشترک، فقر و بیکاری اشاره کرد. به علاوه، اعتیاد زنان منجر به عارضه هایی همچون متلاشی شدن خانواده، تولد کودک معتاد و نواقص جسمی و روحی کودک متولد شده از مادر مبتلا است.

در کنار سیر صعودی اعتیاد، یکی از پیامدهای رو به افزایش در کشور کارتن خوابی معتادان است. زمستان ۱۳۸۲، با رسانه ای شدن مرگ چند کارتن خواب



یک گاری را نداشت، به همراه هفت فرزند قدونیم قدش ضایعات جمع می‌کرد. محمد نه‌ماهه بود که مادرش او را در فرغون، کنار زباله‌ها، می‌گذاشت و بقیه بچه‌ها با گونی به دنبالش حرکت می‌کردند. صبح‌ها، قبل از بیدار شدن شاه بی‌بی، بچه‌ها سعی می‌کردند یک کیسه ضایعات جمع کنند تا مادرشان بتواند خودش را بسازد! شب هم داستان خودش را داشت. زندگی در کپری که از نی ساخته شده بود و رفت‌وآمد مکرر دوستان پدر، که همگی مصرف‌کننده مواد بودند، ترس به جان بچه‌ها انداخته بود؛ تمام سعی‌شان این بود که مواد مادرشان را تهیه کنند تا او بیدار بماند و مراقب باشد که بچه‌ها مورد تعرض قرار نگیرند.

دستم نمی‌رسد که در آغوش گیرم!

ملیحه شاکری، مدیر و روانشناس مرکز اقامتی کنام ققنوس، می‌گوید: «شبی که شاه بی‌بی و شبنم را آوردند، مادر و دختر هر دو دچار سوختگی شدید بودند. طبق گزارش اورژانس اجتماعی، کپران‌ها در اثر

از عوامل مهم روی آوردن زنان به مواد مخدر می‌توان به فقدان شناخت به مشخصات مواد و پیامدهای ناگوار مصرف آن، حس کنجکاوی، عدم اعتماد به نفس، ضعف اراده، احساس تنهایی، اختلاف پدر و مادر، خشونت خانگی، نارضایتی از زندگی مشترک، فقر و بیکاری اشاره کرد. اعتیاد زنان منجر به عارضه‌هایی همچون متلاشی شدن خانواده، تولد کودک معنادار و نواقص جسمی و روحی کودک متولدشده از مادر مبتلا است.

صادر کرد. پدر و مادر، که هر دو مصرف‌کننده مواد مخدر شده بودند، تصمیم گرفتند برای تأمین هزینه‌های زندگی و فرار از خشک‌سالی و بی‌آبی مثل خیلی از مردم دیگر شهر و روستایشان مهاجرت کنند؛ بنابراین، از زابل به ساری آمدند. در ساری، شاه بی‌بی، درحالی‌که حتی پول خرید

اشک شبنم

به دست‌هایش نگاه می‌کنم؛ هنوز بعد از دو ماه، رد دستبند نیروی انتظامی بر سوختگی دستش مشهود است. صبح نهم ماه خرداد بود که اورژانس اجتماعی و مأموران نیروی انتظامی، «شاه بی‌بی» و دختر پانزده‌ساله‌اش را به مرکز بهبودی- اقامتی کنام ققنوس آوردند. در مسیر بین کلانتری و مرکز اقامتی، چشمان مه‌آلود شبنم به برگه‌ای که در دست مأمور نیروی انتظامی بود افتاد؛ گویی خوابی که شب گذشته دیده تعبیر شد و دخترک پانزده‌ساله باید از مادرش جدا شود.

شاه بی‌بی اهل یکی از روستاهای اطراف زابل است. هفده‌ساله بود که به اجبار به عقد پسرخاله‌اش درآمد. قسم خورده بود که اگر این ازدواج سرگیرد، مواد مخدر مصرف کند. شب سوم عروسی‌شان، همسرش را وادار به تهیه هروئین کرد. حمید از روی علاقه و ترس از دست دادن شاه بی‌بی هر موادی را که او می‌خواست تهیه می‌کرد. هنوز یک هفته از عروسی‌شان نگذشته بود که عروس هفده‌ساله به یک مصرف‌کننده تمام‌عیار تبدیل شد. تا این‌که شاه بی‌بی، شبنم را باردار شد و مادر شدن او را مصمم به ترک مواد کرد. شاه بی‌بی برای تعریف کرد که در طایفه آن‌ها هر چه بیشتر فرزند داشته باشی، سرمایه و آبروی بیشتری داری.

ده سال از زندگی شاه بی‌بی و حمید گذشت. فقر، بیکاری و خشک‌سالی بیداد می‌کرد و تأمین هزینه‌ها سخت و سخت‌تر می‌شد. زن و مرد به ساده‌ترین راه برای سیر کردن شکم بچه‌ها فکر کردند؛ فروش مواد مخدر. اولین قربانی این تصمیم، شیدای چهل‌روزه که بود قربانی موادی شد که مادرش در قنداق او جاسازی کرد. شیدا در زندان زنان یک‌ساله شد. یک سال بعد، شاه بی‌بی به جرم حمل یازده کیلو مواد مخدر دوباره دستگیر شد؛ اما با توجه به وخامت وضع معیشت و تعداد زیاد فرزندان، قاضی پرونده برایش حکم تعلیق



روابط عمومی بهزیستی ساری

فرزندانشان می‌شود، اعتیاد خود را کتمان می‌کنند، تمام تلاش این مرکز علاوه بر ترک اعتیاد، تقویت اعتماد به نفس، احساس مسئولیت‌پذیری، کاهش اضطراب و افسردگی زنان معتاد است. مهم‌ترین چیزی که یک مادر را رنج می‌ده، حسرت دوباره در آغوش کشیدن فرزندش است.

این مرکز تلاش می‌کند با خانواده‌هایی که فرزندان خود را طرد کرده‌اند، ارتباط برقرار کند؛ چراکه با مشارکت خانواده‌ها انگیزه ترک برای بیماران به مراتب افزایش می‌یابد. همچنین، از آنجایی که در اکثر موارد، اعتیاد یک بیماری خانوادگی است، همسرانی که خود درگیر اعتیاد هستند نیز مجاب می‌شوند به مراکز ترک اعتیاد آقایان رجوع کنند. به معتادان متجاهر نیز مشاوره داده می‌شود که با توجه به امکانات خوبی که شهرداری و بهزیستی ساری فراهم کرده‌اند به جای کارتن‌خوابی به مراکز خدمات اجتماعی شهرداری (گرمخانه‌ها)، شلترها و مراکز DIC مراجعه کنند تا کمترین آسیب را ببینند؛ چراکه امثال شاه بی‌بی‌ها که به علت عدم رشد یافتگی به سمت اعتیاد گرایش پیدا می‌کنند، کم نیستند.

”

شاه بی‌بی، در حالی که حتی پول خرید یک گاری را نداشت، به همراه هفت فرزند قدونیم قدش ضایعات جمع می‌کرد. محمد نه‌ماهه بود که مادرش او را در فرغون، کنار زباله‌ها، می‌گذاشت و بقیه بچه‌ها با گونی به دنبالش حرکت می‌کردند.

شاه بی‌بی بالش خود را به شکل نوزادی درمی‌آورد و به گمانش برای محمد لایبی می‌خواند. شاه بی‌بی این نوزاد خیالی را لحظه‌ای از خود دور نمی‌کند. اکثر مادران معتاد، مثل شاه بی‌بی، بعد از خروج از مرحله سم‌زدایی با یادآوری خاطرات دچار عذاب وجدان می‌شوند که در جلسات مشاوره تلاش می‌کنیم اضطراب آن‌ها را کاهش دهیم.»

شعله‌ور شدن پیک‌نیک، طعمه حریق شد. به عنوان روانشناس مرکز، نحوه جدا کردن شب‌نم از مادرش برایم اهمیت زیادی داشت؛ چراکه نگاه ما به معتاد نگاه بیمارگونه هست نه مجرم‌انگارانه. با توجه به حساسیت موضوع، به شب‌نم اطمینان دادم که این مرکز مکانی امن برای مادرش خواهد بود. روند درمان شاه بی‌بی پروسه‌ای طولانی داشت. با کمک پزشک مرکز، سوختگی او برطرف شد، اما مهم‌تر از درمان سوختگی، درمان اعتیاد، افسردگی و اضطراب شاه بی‌بی بود. او، در طول مدت حضورش در مرکز، بالش خود را به شکل نوزادی در می‌آورد و به گمانش برای محمد لایبی می‌خواند. شاه بی‌بی این نوزاد خیالی را لحظه‌ای از خود دور نمی‌کند. اکثر مادران معتاد، مثل شاه بی‌بی، بعد از خروج از مرحله سم‌زدایی با یادآوری خاطرات دچار عذاب وجدان می‌شوند که در جلسات مشاوره تلاش می‌کنیم اضطراب آن‌ها را کاهش دهیم.»

با توجه به زنانه‌تر شدن اعتیاد، جمعیت ده درصدی جامعه زنان معتاد و این‌که اکثر زنان معتاد به دلیل ترس از طرد شدن از طرف خانواده و آسیب‌هایی که گریبان‌گیر



فاطمه شاکری



قضاوت‌های ما به خشم‌هایمان سوخت می‌رسانند!

ذبیح‌الله رنجبرراد

پویایی و رشد آگاهی در جامعه شویم. اگر آموزش، واقعی و باکیفیت نباشد زمینه را برای رشد بی‌سوادی و نادانی‌های عمیق‌تر فراهم می‌کنیم! مثلاً دوران سالمندی یکی از مراحل رشد انسان است. درحالی‌که در جامعه ما، اغلب افراد، سالمندی را مساوی با مرگ می‌دانند! یا مثلاً احساسات محبت‌آمیز خودمان را در کانون خانواده به‌طور شایسته‌ای به همسر و فرزندان ابراز نمی‌کنیم. شاید همه این موارد به بی‌کیفیتی نظام آموزشی و فرهنگی ما برگردد. باید بپذیریم که هنوز آموزش‌های لازمی که سزاوار جامعه ما باشد را به شهروندانمان نداده‌ایم. از طرف دیگر، ما انسان‌ها باید یاد بگیریم به نقاط مشترکمان تکیه کنیم و تفاوت‌ها را بپذیریم. عبارتی هست که می‌گوید «تو را دوست دارم، چون شبیه من هستی». وقتی دورهم جمع می‌شویم، به خاطر شباهت‌هایمان است؛ اما یادمان می‌رود که رشد ما ریشه در تفاوت‌های ما دارد. متأسفانه با تفاوت‌ها می‌جنگیم، آن‌ها را نفی می‌کنیم و سعی می‌کنیم یکدیگر را تغییر دهیم. در صورتی‌که یادمان می‌رود وقتی انتظار داریم که دیگری مرا همان‌طوری که هستم بپذیرد، آیا من هم یاد گرفتم که او را همان‌گونه که هست بپذیرم؟ قضاوت‌هایمان را رها کنیم؛ پذیرش افراد، مدارا و همدلی را تمرین کنیم و یادمان باشد قضاوت‌های ما به خشم‌هایمان سوخت می‌رساند!



در نتیجه، صرفاً یکدیگر را قضاوت می‌کنیم. ما غافلیم که برای هر کاری به آگاهی و شناخت نیاز است و اگر این دو نباشند در مرحله عمل، به جای یاری دادن و توانمندتر کردن آدم‌های دیگر، آن‌ها را کم‌رنگ و ناتوان می‌کنیم، تحقیر می‌کنیم و انگ می‌زنیم! مثلاً به عنوان یک شهروند، به عنوان یک مدیر یا به عنوان یک فرد تصمیم‌گیرنده در جامعه، درک نمی‌کنیم که یک معلول یا یک سالمند به هیچ وجه ناتوان و محروم نیست. این تصورات همه زائیده ناآگاهی‌ها و نادانی‌های ما است. آن وقت بر پایه همین تصورات و قضاوت‌ها، پوسته خدمت‌رسانی به گروه‌های توان‌خواه را ظریف و کوچک فرض می‌کنیم.

سال گذشته یک ماهی به همراه خانواده به کشور آلمان سفر کردم؛ دلم می‌خواست یا وسوسه شده بودم که در مورد خانواده و سبک زندگی خانوادگی در آن کشور اروپایی مطالعه‌ای صورت دهم. متوجه شدم که بسیاری از مردان و زنان سالمند آلمانی، از بهترین دوچرخه‌سواران این کشور هستند. بیشتر معلولان و سالمندان به قدری عادی در جامعه زندگی می‌کردند، به قدری عزت نفس داشتند و به قدری جامعه بازخورد مثبتی در عمل به آن‌ها نشان می‌داد که به خودت اجازه نمی‌دادی به این موضوع فکر کنی که این انسان یک توان‌خواه است و با افرادی که به‌طور عادی زندگی می‌کنند، تفاوت‌هایی دارد. بین گروه‌های با نیازهای ویژه و دیگران هیچ مرز، انگ یا دیواری وجود نداشت.

خیلی به این موضوع فکر کردم که چرا رفتار جامعه ما تا این حد متفاوت است و به این نتیجه رسیدم که ریشه این تفاوت‌ها را باید در آموزش جست‌وجو کنیم. متأسفانه آموزش‌های صداوسیما اغلب تکراری است. یا هنوز هم بیان برخی از مسائل زندگی مشترک برای همه، به خصوص جوان‌ها، تابو است. غافل از آن‌که باید حقایقی را به جامعه تزریق کنیم و باعث

براساس تجربه سال‌ها کار و مشاوره، معتقدم یکی از اساسی‌ترین مسائل حال حاضر جامعه ما، بحث ازدواج و طلاق و موضوعات وابسته به آن است. متأسفانه، آمارها نشان می‌دهد در شرایط فعلی از هر سه نفر شاید یک نفر متارکه کرده باشد. مازندران نیز از حیث وضعیت طلاق، جزو پنج استان برتر است! اما علت این آمار بالا چیست؟ من می‌گویم چون در درون خانواده، ما دائماً در حال قضاوت یکدیگر هستیم. یکی از تعابیر بسیار بد و یک کار غیرانسانی همین قضاوت‌های بی‌هوده و نامطلوب است. هرچقدر در محیط خانه قضاوت‌ها را تشویق کنیم، زمینه‌های نفاق را تقویت می‌کنیم و چون درک و شناخت ما از تفاوت‌های شخصیتی یکدیگر پایین است، همین قضاوت‌ها باعث می‌شود رفته‌رفته سطح شعور و فهم جامعه هم پایین بیاید. چرا کنترل خشم برای اغلب ما دشوار است؟ معتقدم چون سوخت خشم‌های ما بالا است و آنچه به خشم، سوخت می‌رساند قضاوت‌های ما است. انسانی که دائماً در حال قضاوت است، دائماً هم عصبانی است. این یک مسئله ثابت شده در دنیای علم امروز است.

چه در خانواده و چه در جامعه، ما تلاش نمی‌کنیم به شناخت از یکدیگر برسیم؛ در عوض، طرف مقابل را قضاوت می‌کنیم و این خیلی بی‌انصافی است. مثلاً ممکن است پیش‌فرض ما در خانواده این باشد که همسر ما یک وضعی دارد، یا پیش‌فرض ما در جامعه این باشد که فردی که در ظاهر با ما متفاوت است، مثلاً یک معلول، ضعف دارد و ناتوان است؛ آن وقت رفتار و عملکرد ما در خانواده و جامعه چه خواهد بود؟ ما در نقش‌هایمان به عنوان همسر، شهروند، مدیر، کارگر و ... چگونه عمل می‌کنیم؟

وقتی همدیگر را نادیده می‌گیریم، به شناخت کافی از هم نمی‌رسیم، از نیازها و خواسته‌های یکدیگر باخبر نمی‌شویم و

حضور فعال زنان، گامی به سوی توسعه پایدار

جایگاه زنان در عرصه‌های عمومی شهرها کجاست؟



* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

لیلا صحرایی *

فراهم نمایند. این حق همه شهروندان است که باید سیاست‌گذاران اجتماعی بدان توجه نموده و نقش بیشتری در طراحی و برنامه‌ریزی شهری ایفا نمایند. بر همین اساس، در طراحی فضاهای شهری باید محدودیت‌هایی که برای زنان در استفاده از مکان‌های عمومی وجود دارد، از بین برود. این محدودیت‌ها شامل موانع ایجاد تحرک و پویایی، عوامل ایجاد ترس از عدم امنیت و اصول و هنجارهای محدودکننده فرهنگی است که آزادی، پویایی و حرکت را از زنان می‌گیرند. به علاوه، موانعی دیگری هم وجود دارند که ساختاری هستند و دسترسی زنان را به فضاهای عمومی با محدودیت همراه می‌کنند از جمله وسایل حمل و نقل عمومی یا مراکز نگهداری کودکان و یا به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مرتبط هستند که تنش و استرس زنان را در استفاده از سپهر عمومی موجود تحت تأثیر قرار می‌دهند. این محدودیت‌ها و موانع فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی زنان را در سطح شهر مخدوش می‌نماید و لذت برخورداری از روابط اجتماعی سالم را در فضای شهری از بین می‌برد؛ بنابراین اغلب، فعالیت‌های اجباری زمینه‌ساز حضور زنان در عرصه عمومی است.

این امر می‌تواند محدودیت‌های حضور زنان را که ناشی از طراحی فضاهای عمومی و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است، کم اثر نماید.

تعامل اجتماعی، از ارکان توسعه پایدار محسوب می‌شود و بستر رفاه، امنیت و رضایت شهروندان را فراهم می‌کند؛ اما امروزه، شهرسازان بیشتر از آن‌که به این مقوله توجه کنند، به ساختار سخت‌افزاری شهر یعنی ساختمان‌ها، خیابان‌ها، پل‌ها و ... اهمیت می‌دهند. از این رو، در بسیاری از شهرهای ما، سیاست‌های اجتماعی بدون توجه به شاخص‌های فرهنگی و استاندارد زیست اجتماعی پایه‌ریزی و اجرا می‌شوند و نتایج نامطلوب به بار می‌آورند.

فضاهای شهری بستر مناسبی برای تعاملات اجتماعی، شکل‌گیری رفتارهای انسانی و محفلی برای انواع فعالیت‌های اجباری، اختیاری و اجتماعی گروه‌های مختلف شهروندان است. زنان گروه بزرگی هستند که از این فضاها بهره می‌برند و مهم آن است که در طراحی فضاهای شهری به نیازهای خاص آنان، به واسطه نقش‌های اجتماعی متفاوتی که بازی می‌کنند، توجه شود. فضاهای عمومی باید امکان ایجاد ارتباط اجتماعی و کاهش مشکلات روانی ناشی از زندگی شهری و تنش‌های اجتماعی را

فضاهای عمومی شهری بستری مناسب برای زیست اجتماعی شهروندان، به ویژه زنان، فراهم می‌کنند. برای تسهیل حضور شهروندان، فراهم نمودن شرایط مشارکت و تعامل اجتماعی و همچنین تحقق امنیت اجتماعی آنان، نیازمند سیاست‌های اجتماعی مطلوب و کارآمد در حوزه بسط و توسعه عرصه عمومی هستیم. فضاهای عمومی شهری باید پتانسیل و ظرفیت لازم را برای حضور همه شهروندان فراهم سازند. سهل انگاری و غفلت از سهم زنان در استفاده از فضاهای شهری هم مانع حضور زنان و تعامل اجتماعی و فرهنگی آن‌ها در زیست شهری است و هم سطح تنش اجتماعی را افزایش می‌دهد؛ اما متأسفانه، نگاه نادرست سیاست‌گذاران اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به حضور فعال زنان در جامعه موجب شده است که زنان همچنان در پشت خط استفاده از فضاهای عمومی باشند. گرچه استفاده از سپهر عمومی شهری برای مردان هم چندان مناسب نیست اما برای زنان نامطلوب‌تر است؛ به نحوی که زمینه حضور آزادانه و بدون دغدغه زنان را نادیده می‌گیرد.

تقویت جامعه مدنی تنها با حضور گروه‌های مختلف شهروندان ممکن است و این حضور در جامعه زمانی میسر می‌شود که بستر جامعه، یعنی فضاهای عمومی، مناسب باشد. گسترش فضاهای شهری که در آن به نیازهای روانی و اجتماعی همه شهروندان توجه شده منجر به کاهش نابرابری‌های اجتماعی، یعنی یکی از معضلات کشورهای در حال توسعه، می‌شود، زمینه مشارکت بیشتر شهروندان را فراهم نموده و به رشد و توسعه فرهنگ شهرنشینی و شهروندی مدد می‌رساند.

گسترش شهرنشینی، رشد جمعیت جوان، افزایش سطح تحصیلات زنان، اهمیت یافتن اوقات فراغت و تعاملات اجتماعی و کاهش روابط خویشاوندی و دورهمی‌های خانوادگی موجب شده است تا نسل جدید خواهان توجه به مقوله تفریح و لذت در زندگی اجتماعی باشند. تأمین فعالیت‌های مرتبط با فراغت، نیازمند توجه بیشتر به عرصه عمومی سالم و پویاست تا سلامت روان شهروندان در آن تضمین شود؛ بنابراین، فضاهای شهری باید پاسخگوی مطالبات و نیازهای اجتماعی شهروندان باشد. بر همین اساس، امروزه توجه به مفهوم عدالت جنسیتی و توجه به نیازها و خواسته‌های زنان به عنوان یکی از ارکان توسعه پایدار در برنامه‌ریزی فضاهای شهری مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، اولین گام در

محدودیت‌زدایی حضور زنان، آگاهی و شناخت نسبت به ضرورت حضور آنان در فضای عمومی و گام بعدی، شناخت تفاوت‌های زنان و مردان در طراحی و ساخت فضای شهری است. توجه به این امر، به معنی تفکیک جنسیتی نیست بلکه توجه و تأکید بر این نکته است که شهر متعلق به همه شهروندان اعم از زن و مرد است و در برنامه‌ریزی و ساخت شهر، توجه به مطالبات و نیازهای همه گروه‌های اجتماعی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. یکی از نتایج مهم توجه به فراغت و تفریح، افزایش سطح تاب‌آوری اجتماعی در برابر آسیب‌های اجتماعی متنوعی است که خطری جدی برای همه شهروندان محسوب می‌شود؛ بنابراین، برای کاهش جنبه‌های نامطلوب زندگی شهری وجود چنین فضاهایی برای شهروندان ضروری است. فراغت نه تنها بستر

مناسبی برای کنش‌های اجتماعی سالم و غیررسمی است بلکه هویت انسان را سامان داده و منجر به خودشکوفایی انسان و توجه به جمع‌گرایی و خلاقیت فردی و اجتماعی می‌گردد؛ و ضرورت آن برای زنان که امکان حضور آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی با غفلت همراه است، بیش‌ازپیش احساس می‌شود. وجود فضاهای عمومی شهری با قابلیت انعطاف و همچنین توجه به عرصه گذران فراغت به عنوان عرصه عمومی که هم لذت و آسایش زنان را در خود داشته باشد و هم فرصت یادگیری را در اثر تعاملات اجتماعی فراهم نماید، از موضوعات اساسی در برنامه‌ریزی شهری است. اگر عرصه عمومی شهری، امکان ارتباط شهروندان را مختل نماید یا قادر به ایجاد شبکه‌های اجتماعی ارتباطات و تعامل میان شهروندان نباشد، پیامدهای نامطلوب زیادی از جمله شکل نگرفتن هویت شهروندی، تزلزل روابط جنسیتی و عدم انسجام اجتماعی را به همراه دارد؛ چرا که عرصه عمومی به شهر هویت می‌بخشد، همبستگی اجتماعی را بالا می‌برد، به شکل‌گیری خاطرات جمعی می‌انجامد و کنشگری را افزایش می‌دهد.

پایان سخن این‌که امروزه، زنان به عنوان نشانه و نماد جوامع شهری شناخته می‌شوند. بی‌توجهی به خواسته‌ها و نیازهای آنان در برنامه‌ریزی و آراستگی فرهنگی شهر، زیست اجتماعی شهروندان را با مشکلات زیادی همراه می‌سازد که به برخی از آن‌ها اشاره شده است. عرصه‌ای که هم انسان در به وجود آوردن آن نقش دارد، هم از آن تأثیر می‌پذیرد و هم بخشی از آن محسوب می‌شود باید بر اساس مطالبات و نیازهای او ساخته شود.

”

تقویت جامعه مدنی تنها با حضور گروه‌های مختلف شهروندان ممکن است و این حضور در جامعه زمانی میسر می‌شود که بستر جامعه، یعنی فضاهای عمومی، مناسب باشد. گسترش فضاهای شهری که در آن به نیازهای روانی و اجتماعی همه شهروندان توجه شده منجر به کاهش نابرابری‌های اجتماعی می‌شود، زمینه مشارکت بیشتر شهروندان را فراهم نموده و به رشد و توسعه فرهنگ شهرنشینی و شهروندی مدد می‌رساند.



مجموعه خانه های شهروندی با برنامه ریزی و بررسی نیازهایی که اولویت یک زندگی شاد و سالم در نظر گرفته می شود، فرصت اشتغال برای بسیاری از جوانان تحصیل کرده و جویای کار این شهر و دیار را فراهم کرده است

منوچهر عبدالله زاده

خانه های شهروندی؛ تداوم فرهنگ و مشارکت

خانم نصیری
مدیر سرای تداوم این شهر آشوب

معرفی خانه های شهروندی شهرداری ساری

تداوم، با برنامه ریزی و بررسی نیازهایی که اولویت یک زندگی شاد و سالم در نظر گرفته می شود، فرصت اشتغال برای بسیاری از جوانان تحصیل کرده و جویای کار این شهر و دیار را فراهم کرده است. در طی نزدیک به شش سالی که از فعالیت سراها می گذرد، اکنون هشت خانه شهروندی، یک سرای ویژه سالمندان، به نام «خانه جهان دیدگان» در بوستان خانواده، یک مرکز ساماندهی آسیب دیدگان اجتماعی و یک گرمخانه ویژه آقایان باهدف کاهش آسیب های اجتماعی، فعالیت می کنند. مجموعه ده مرکز در دو شیفت کاری با بیش از سی هزار مشترک، از وقت اداری صبح الی ۱۸:۴۵ عصر با همراهی یک مسئول و چندین پرسنل خدمات رسانی می کنند. این خدمات در ابعاد و حوزه های مختلف

و تکالیفی را بر شهروندان به همراه دارد. امروزه، شهرداری ها یکی از متولیان اساسی در آموزش شهروندان هستند زیرا ناآگاهی مردم از فرهنگ شهرنشینی و شهروندی مستقیماً به کارکرد شهرداری آسیب می رساند و از آنجایی که تعاملات در فضای شهر صورت می گیرد، پیامدهای مثبت و منفی آن دامن شهروندان را نیز خواهد گرفت.

در راستای نیازمندی هایی که برای رشد و توسعه شهری شهروندان ساری احساس می شد، در سال ۱۳۹۳، معاونت وقت فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری ساری با تأسیس و افتتاح خانه شهروندی در نقاط مختلف شهر، خدمات رسانی به شهروندان را آغاز نمود. مجموعه سراهای

زندگی در عصر انفجار جمعیت، کاهش کیفیت محیط زیست شهری، تمایل برای دستیابی به توسعه شهری و به تبع آن توسعه ملی، نیاز به آموزش شهروندان را به یکی از ارکان اساسی زندگی اجتماعی عصر حاضر مبدل کرده است. آموزش شهروندی دانش و ابزاری است که افراد جامعه را به مشارکت فعالانه در حوزه مسائل مرتبط بازندگی شهری ترغیب می کند و سطح فرهنگ عمومی جامعه را که متأثر از مجموعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است، ارتقا می بخشد. در همین راستا، وظایف سازمان های دخیل در حوزه های فرهنگی و اجتماعی، برای تربیت شهروندانی فعال، کنشگر و آگاه سنگین تر می شود. این وظایف، تعهداتی را برای مدیران شهری

کاهش آسیب‌های اجتماعی

علل وقوع آسیب‌های اجتماعی و راه‌های پیشگیری از آسیب‌هایی همچون اعتیاد، طلاق، خودکشی و کودک‌آزاری موضوع کارگاه‌ها و آموزش‌های این بخش است. این خدمات در مرکز ساماندهی آسیب‌های اجتماعی به ماهیت ایجاد این مرکز برای، با توجه مقابله با آسیب‌های اجتماعی، با حساسیت، توجه و تنوع بیشتری به انجام می‌رسد.

اشتغال‌زایی و توانمندسازی

آموزش‌های این بخش باهدف تربیت هنری برای کسب نتایج مطلوب ارائه می‌شود. مهم‌ترین هدف این بخش، ایجاد خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار است؛ چراکه بیشترین مخاطب و مشترک این مجموعه را زنان تشکیل می‌دهند. خوشبختانه این آموزش‌ها بازخوردهای مثبتی به دنبال داشته است؛ به‌نحوی که افراد بسیاری در یک یا چند رشته هنری از قبیل خیاطی، چرم‌دوزی، بافتنی، عروسک‌دوزی، نم‌دوزی، دوخت کیف‌های پارچه‌ای، ساخت زیورآلات و شمع‌سازی پس از کسب مهارت، به مرحله تولید و درآمدزایی رسیده‌اند.

اتفاق می‌افتد. برخی از عناوین آموزشی در حوزه سلامت جسم عبارت‌اند از پیشگیری و کنترل بیماری‌های شایع از قبیل سکت قلبی، دیابت، فشارخون و انواع سرطان‌ها و همچنین همه موضوعاتی که به تغذیه سالم مرتبط است. به‌علاوه، انجام فعالیت‌های ورزشی و حرکات اصلاحی نیز دورازنظرنمانده است. بخش سلامت روان نیز باهدف آموزش مهارت‌های ده‌گانه زندگی آغاز می‌شود و در ادامه به موضوعاتی همچون اختلالات روان‌پزشکی مانند افسردگی و اضطراب، آموزش فرزند پروری و همچنین مشاوره‌های فردی می‌پردازد که به حل مشکلات فردی و اجتماعی افراد مراجعه‌کننده کمک شایانی کرده است.

مشارکت اجتماعی

بررسی عوامل مؤثر مشارکت مردم در کارکردهای اجتماعی و سهیم شدن در تصمیمات اثرگذار، بهبود کیفیت زندگی شهری، توسعه مشارکت شهروندی، ارتقای اخلاق شهروندی و آموزش و انتقال این مفاهیم به کودکان و نوجوانان از کارکردهای این بخش است.

آموزشی برای همه سنین و متناسب سن و نیازمندی‌های مخاطبان ارائه می‌شود. آموزش‌های مربوط به کودک و نوجوان که رده‌های سنی چهار تا هجده سال را پوشش می‌دهد، از بخش‌های پرمخاطب و پرشور سراها است. عناوین و موضوعات آموزش شهروندی باهدف آشنایی کودکان و نوجوانان با قانون‌گرایی، سبک زندگی سالم، اصول و فرهنگ نظافت، بهداشت اجتماعی و آموزش‌های هنری، تفکیک زباله، بازی مادر و فرزند و هم‌چنین پرورش تفکرخلاق از اولویت‌های کارخانه‌های شهروند خدمات آموزشی که در حوزه‌های مختلف ارائه می‌شوند، بدین شرح است:

سلامت شهروندی

این قسمت از خدمات با همکاری ارزنده سازمان علوم پزشکی مازندران ارائه می‌شود. این حوزه در دو بخش سلامت جسم و سلامت روان فعالیت می‌کند و از پرمخاطب‌ترین کارگاه‌های آموزشی در مراکز است. چراکه یادگیری در زمینه ضروری‌ترین نیازهای فردی و اجتماعی افراد، چه از جنبه فیزیولوژیک و چه از جنبه روانی،

نام مرکز یا سرای تداوم	آدرس	تلفن
اتحاد	دخانیات، کوی اتحاد، واقع در پارک اتحاد	۵-۳۳۶۰۱۶۹۳
قدس	بلوار کشاورز، کشاورز ۳۱ (کوی قدس)	۳۳۲۳۴۲۹۱
آزادی	بلوار کشاورز، خیابان آزادی، انتهای کوچه آزادی ۷	۳۳۴۱۸۱۵۳
۲۲ بهمن	میدان امام خمینی، خیابان ۲۲ بهمن، کوچه ایثار	۳۳۳۷۶۲۰۴
ابن شهر آشوب	میدان ابن شهر آشوب، ابتدای خیابان ملت، جنب حسینیه ارشاد	۳۳۳۰۱۶۲۷
شمس	بلوار کشاورز، بوستان شمس	۳۳۲۲۰۹۶۲
آزادگان	بلوار امام رضا، امام رضای ۵، کوچه آزادگان ۱	۳۳۲۷۱۰۶۴
خانه جهاندیدگان	بعد از ششصد دستگاه، بوستان خانواده	-
مرکز سامان‌دهی آسیب دیدگان اجتماعی	روبروی پل سمسکنده، خیابان طبیعت	۳۳۴۳۴۴۵۵
گرمخانه واحد آقایان	کیلومتر ۶ جاده دریا، روبروی تالار سوگولی	-



روابط عمومی خانه شهروند شمس

در سال ۱۳۹۷، با تبدیل معاونت فرهنگی، اجتماعی و ورزشی به سازمانی مستقل، خانه‌های شهروندی زیر نظر این سازمان به حیات خود ادامه می‌دهند. در مناسبت‌های ملی، مذهبی و بومی، این سازمان با همکاری خانه‌های شهروندی، برنامه‌ها و جشن‌های بسیاری را به شکل میدانی برگزار کرده است. از جمله این برنامه‌ها می‌توان به کمپین نه به چهارشنبه‌سوزی، کمپین جمع‌آوری کمک به زلزله‌زدگان کرمانشاه، اجرای طرح ۲۰ در ۲۰ (طرح ویژه اوقات فراغت تابستان)، ویژه‌برنامه ماه مبارک رمضان به نام شب‌های سکوت و همچنین برگزاری همایش‌های مختلف و ورزش‌های همگانی اشاره کرد.

در ساری، هشت خانه شهروندی، یک خانه ویژه سالمندان به نام خانه جهان دیدگان، یک مرکز ساماندهی آسیب‌دیدگان اجتماعی و یک گرمخانه ویژه آقایان فعالیت می‌کنند

دیدنی و جاذبه‌های گردشگری ساری مانند پارک جنگلی زارع، امام‌زاده عباس، مسجد جامع تاریخی فرح‌آباد، حمام وزیری، موزه کلبادی و... دیدن می‌کنند. در ایام نوروز، علاوه بر مسافران، گردشگران خارجی نیز از این تورها استقبال نموده و با بسته‌های فرهنگی که در اختیارشان قرار گرفت، با آداب و رسوم بومی مازندران آشنا شدند.

آموزش شهروندی

آموزش شهروندی شامل آموزش‌هایی است که شهروندان را از مواردی مانند واکنش مناسب در برابر حوادث، برخورد با بیمار در مواقع اضطراری، آشنایی با حقوق خود و دیگران در شهر آگاه می‌کند. از جمله کارگاه‌هایی که در این زمینه برگزار می‌شود می‌توان از کاشت و نگهداری گل و گیاه، آموزش حقوق شهروندی (مانند حقوق زنان، کودکان و معلولین)، آموزش آتش‌نشانی و کمک‌های اولیه نام برد. همچنین در این حوزه، آموزش‌هایی در زمینه طرح تپش (تفکیک پسماند شهری)، مربوط به تفکیک صحیح زباله در مبدأ، ارائه می‌شود.

گردشگری

تور ساری‌گردی، توسط خانه‌های شهروندی باهدف ایجاد نشاط عمومی و بازدید از مراکز تاریخی و طبیعی ساری برگزار می‌گردد. در این سفر یک‌روزه، علاقه‌مندان از مکان‌های



عرفان غفوری



ناهید گرمی *

نقش مشارکت شهروندان در مدیریت پسماند شهری

تعریف می‌شود؛ بنابراین، مشارکت توانمند شهروندان در اداره امور شهری به معنای حضور جدی و شرکت فعال، آگاهانه و مؤثر عناصر جامعه شهری (افراد، خانواده‌ها، نهادها و بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی) در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری برای دستیابی به اهداف جدی است.

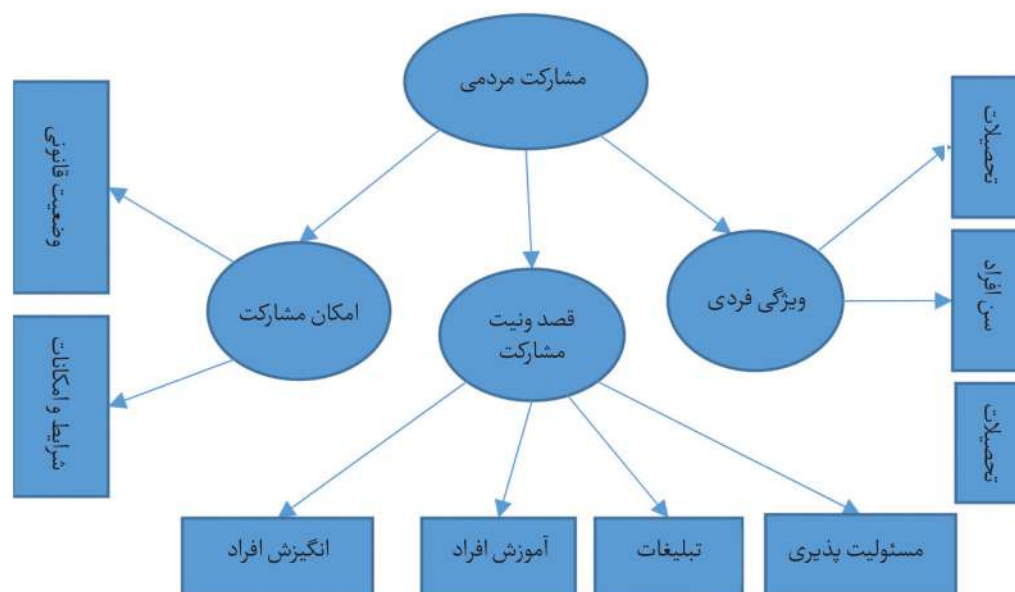
افزایش سرانه تولید پسماند موجب شده بسیاری از کشورهای جهان مدیریت پسماند را به عنوان یک اولویت مهم در اهداف برنامه‌ریزی‌های خود قرار دهند. مدیریت پایدار پسماند با استفاده از سلسله مراتب مدیریت پسماند انجام می‌گیرد. یکی از *کارشناس ارشد ارتباطات

شهری جایگاه ویژه‌ای بیابد. مدیریت پسماند شهری در پی آن است که با ایجاد سازوکارهای متناسب و کاربردی در راستای حفظ منابع طبیعی زمین و جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی رویکرد مناسب و جامعی را برای جمع‌آوری، پردازش و دفع پسماند (به خصوص مدیریت مصرف و کاهش میزان تولید زباله به عنوان عملی پیشگیرانه) مدنظر مدیران و برنامه‌ریزان در جوامع مختلف قرار دهد و به واسطه آن اهداف زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی مطلوب محقق گردد.

توانمندسازی اجتماعی به عنوان مشارکت همه اقشار جامعه در سرنوشت خودشان

توسعه اقتصادی و صنعتی جوامع، افزایش سطح رفاه مردم و در پی آن، تغییر الگوی مصرف از طرفی موجب افزایش حجم و از طرف دیگر موجب تغییر نوع و کیفیت زباله تولیدی توسط بشر شده است. امروزه، زباله به چنان موضوع بغرنجی تبدیل شده که در صورت عدم اتخاذ روش‌های مدیریتی و کنترلی به‌روز و کارا به یک بحران اجتماعی-زیست‌محیطی مبدل می‌گردد.

مدیریت پسماند مدت زمان طولانی است که مورد توجه قرار گرفته است اما حجم بالا و پیچیدگی پسماندهای تولیدی عصر حاضر و خطراتی که برای محیط زیست و انسان ایجاد می‌کند موجب شده این بخش از مدیریت



آسیب به محیط زیست می شوند، جرمه تعیین گردیده است. هم چنین، صنایع نیز ملزم به کاهش حجم و تغییر نوع بسته بندی محصولات خود شده اند. این امر منجر به کاهش میزان پسماند حاصل از مصرف محصول گردیده است. برای صناعی که این سیاست را اجرا کنند تشویق و برای صنایع متخلف فشار مالیاتی در نظر گرفته می شود. آلمان، از سال ۱۹۹۰ تاکنون، با ابداع سیستم تفکیک کامل زباله در محل تولید (منزل، کارخانه ها، هتل ها، رستوران ها و ...) و جمع آوری زباله و بازیافت آن توسط شهرداری ها، انتفاع مالی از زباله را آغاز کرد. جداسازی زباله های خانگی اهمیت بالایی برای مردم آلمان دارد. از لحاظ قانونی، همه شهروندان آلمانی ملزم به رساندن زباله های خاص مانند باتری و مواد شیمیایی به مراکز بازیافت هستند؛ عدم انجام این کار معادل ارتکاب به جرم اداری است. بر اساس نظرسنجی ها، حدود ۹۰ درصد شهروندان در آلمان نه تنها با دقت و علاقه زباله ها را تفکیک می کنند بلکه ماهانه هزینه مشخصی نیز به عنوان مالیات برای جمع آوری زباله می پردازند.

در ایالات متحده آمریکا تلاش برای کاهش زباله های خانگی و تجاری، تحت نظر آژانس

بازیافت را، در افاق ۲۰۲۰، برای کشورهای مختلف عضو این اتحادیه در نظر گرفته است. در این راستا، در چند سال ابتدایی، شهروندان و صنایع، تشویق به اجرای تفکیک زباله از مبدأ شده و پس از طی زمان و همراهی بیشتر مردم، برای شهروندانی که با عدم اجرای صحیح تفکیک از مبدأ باعث



کاهش تولید پسماند، تفکیک زباله از مبدأ و بازیافت از اجزای مهم مدیریت پسماند هستند که برای تحقق یافتن به مشارکت فعال شهروندان نیاز دارد. شهروندان با اصلاح الگوی خرید و مصرف و استفاده مجدد از محصولات، تاثیر زیادی در کاهش حجم پسماند تولیدی دارند و با مشارکت در امر تفکیک پسماند هم در افزایش نرخ بازیافت، کاهش هزینه تمام شده آن و بهبود کیفیت محصولات تاثیر به سزایی می گذارند.

مهم ترین شاخص های پیشرفت در مدیریت پسماند شهری، نسبت میزان پسماند تولیدی به میزان پسماند بازیافت شده است؛ بنابراین، کاهش تولید پسماند، تفکیک زباله از مبدأ و بازیافت از اجزای مهم مدیریت پسماند هستند که برای تحقق یافتن به مشارکت فعال شهروندان نیاز دارد. شهروندان با اصلاح الگوی خرید و مصرف و استفاده مجدد از محصولات، تاثیر زیادی در کاهش حجم پسماند تولیدی دارند و با مشارکت در امر تفکیک پسماند هم در افزایش نرخ بازیافت، کاهش هزینه تمام شده آن و بهبود کیفیت محصولات تاثیر بسزایی می گذارند.

❖ مدیریت پسماند در کشورهای دیگر چگونه است؟

طرح تفکیک زباله از مبدأ در بسیاری از کشورهای توسعه یافته نظیر کشورهای اروپایی، آمریکا و ژاپن سابقه طولانی دارد و اجرای آن تقریباً به حالت پایدار رسیده است. برای مثال، در سوئد حجم زباله های ارسالی به زباله سوز چنان کاهش یافته است که برای حفظ بازدهی و کارایی زباله سوزها، از کشورهای همسایه زباله وارد می شود! اتحادیه اروپا از دو دهه پیش هدف ۵۰ درصد

در مکان‌های تحت پوشش سیستم جمع‌آوری زباله، جمع‌آوری هفته‌ای یک‌بار زباله خشک و دو بار زباله تر، در نظر گرفتن جرائم تصاعدی و درنهایت، اقامه دعوی علیه خاطیان و ایجاد مراکز بازیافت توسط بخش دولتی برای تحویل گرفتن وسایلی که شهروندان به آن نیازی ندارند، اشاره کرد.

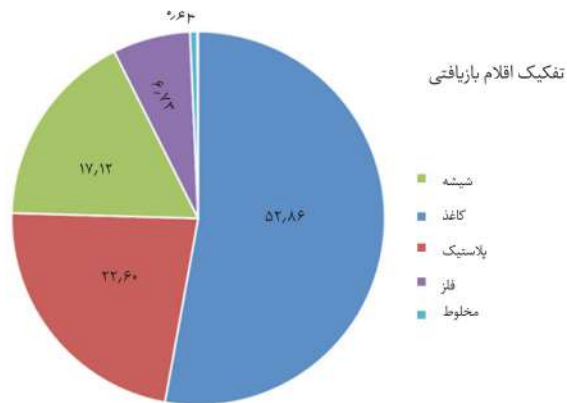
تولید و تفکیک زباله در ایران

سرانه تولید زباله در جهان، روزانه ۳۰۰ گرم و در ایران، روزانه ۷۰۰ گرم است؛ یعنی ما ایرانی‌ها هر روز ۵۸ هزار تن زباله با نسبت فراوانی وزنی ۷۰ درصد زباله تر و ۳۰ درصد زباله خشک تولید می‌کنیم. در جهان، ۷۰ درصد زباله‌ها بازیافت می‌شوند درحالی‌که در کشور ما تنها ۲۰ درصد زباله‌ها به چرخه بازیافت می‌رسند؛ از این میان، تنها ۱۰ درصد زباله‌ها در مبدأ تفکیک می‌شود. این مسئله نشانگر سطح پایین مشارکت شهروندان ایرانی در تفکیک ۲۰ میلیون تن زباله سالانه کشور است.

در مازندران چه خبر است؟

در استان مازندران متوسط تولید روزانه زباله بیش از ۳۰۰۰ تن است؛ این آمار با توجه به مقصد گردشگری بودن استان، در فصول مسافرپذیر، حتی تا ۶ هزار تن در روز هم می‌رسد و متأسفانه باوجود این حجم انبوه زباله و محدودیت اقلیمی و محیط‌زیستی استان، تنها ۴ درصد زباله‌های تولیدی در مازندران به چرخه بازیافت می‌رسند.

مدیریت صحیح پسماند یکی از ضروری‌ترین محورهای توسعه پایدار شهری است. در این راستا، شهرداری ساری در ادوار مختلف، باهدف جلوگیری از آسیب بیشتر به محیط‌زیست و آلوده نشدن سفره‌های آب زیرزمینی، اقداماتی را برای اجرای طرح تفکیک زباله از مبدأ، بازیافت و پردازش پسماند انجام داده است.



”

سرانه تولید زباله در جهان، روزانه ۳۰۰ گرم و در ایران، روزانه ۷۰۰ گرم است. یعنی ما ایرانی‌ها هر روز ۵۸ هزار تن زباله با نسبت فراوانی وزنی ۷۰ درصد زباله تر و ۳۰ درصد زباله خشک تولید می‌کنیم. در جهان، ۷۰ درصد زباله‌ها بازیافت می‌شوند درحالی‌که در کشور ما تنها ۲۰ درصد زباله‌ها به چرخه بازیافت می‌رسند.

در حال حاضر، ۶۰ درصد از زباله‌های این کشور دفن غیربهداشتی و ۳۳ درصد آن دفن بهداشتی، یک درصد زباله‌ها کمپوست و ۵ درصد باقی‌مانده بازیافت می‌شود. با این اوصاف، لازمه اجرای صحیح این طرح، اجرای موفق تفکیک زباله از مبدأ است. به همین جهت، این کشور برنامه‌ریزی کرده تا جمعیت تحت پوشش در طرح تفکیک از مبدأ را به ۱۰۰ درصد برساند. دولت مالزی با تکیه بر محورهای سه‌گانه مدیریت پسماند (کاهش تولید، استفاده مجدد و بازیافت) و همچنین مشارکت فعال شهروندان اقدامات مؤثری انجام می‌دهد که ازجمله آن‌ها می‌توان به الزام به جداسازی زباله، حداقل به دو صورت تر و خشک، تعبیه سطل‌های سه‌گانه زباله توسط شرکت‌های خصوصی

حفاظت از محیط‌زیست این کشور انجام می‌شود. مطابق آمار انتشار یافته، ۳۸ درصد از پسماندهای ایالات متحده در سال ۲۰۱۴ بازیافت شد، درحالی‌که نرخ بازیافت در این کشور در سال ۱۹۹۰ برابر با ۱۶/۲ درصد بود. از مجموع زباله‌های جامدی که در آمریکا جمع‌آوری می‌شود، تنها ۲۵/۷ درصد قابل بازیافت است و در مراحل مختلف تولید از آن‌ها استفاده می‌شود. هزینه پایین مدیریت پسماند در ایالات متحده سبب شده است در سال‌های گذشته تعداد زیادی شرکت در این بخش فعال شوند. این مسئله نشان می‌دهد ایالات متحده توانسته از تهدیدی به نام زباله که تبعات زیست‌محیطی فراوانی دارد، فرصت ایجاد کند و درآمد کلانی هم کسب نماید. مدیریت پسماند در بخش پسماندهای جامد در ایالات متحده توسط بخش خصوصی (۵۹ درصد) و دولت‌های محلی (۴۱ درصد) صورت می‌پذیرد. واگذاری این مسئولیت به بخش خصوصی، خود راهکاری برای کاهش پسماندها و ایجاد فرصت‌های شغلی تازه در این سرزمین بوده است.

در سال‌های اخیر، کشورهای در حال توسعه نیز تفکیک زباله از مبدأ را در مرکز توجه خود قرار داده‌اند. به طور مثال، کشور مالزی از سال ۲۰۰۵ طرحی را در مدیریت پسماند آغاز کرده است با این چشم‌انداز که در افق سال ۲۰۲۰ زباله‌های دفن شده این کشور ۴۰ درصد کاهش یابد.



ساختمان سینما ایران پیش از تخریب [۵] منوچهر عبدالله زاده

فرهنگ ویران شده شهر

پیکرهای بی جان سینماهای ساری نیازمند احیا



حمیدرضا پختوه

خانواده، نوع روابط و سبک لباس پوشیدن تأثیر بسزایی بر پابندی به تعهدات اخلاقی (روابط سالم و ارزش‌ها)، ارتقای سواد و آگاهی فرهنگی و اخلاقی دارد.

ورود سینما به ایران

در سال ۱۲۷۹، در زمان سلطنت مظفرالدین شاه، نخستین دستگاه سینماتوگراف به ایران وارد و با پخش چند عکس پشت سرهم در یک اتاق تاریک، سینما در ایران متولد شد. هرچند تا سال‌ها پس از آن سالنی برای پخش فیلم در کشور وجود نداشت و تنها درباریان از این هنر منتفع می‌شدند. البته جذابیت این پدیده سبب شد که سینما، به مرور، به یک هنر و بعد به یک صنعت تبدیل شود. تا چندین

بر بهره‌مندی از آن موجب شد صنعت فیلم‌سازی و تهیه برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی با بهره‌گیری از رشد فنی، در ابعاد وسیعی گسترش پیدا کند. از آن‌جا که سینما نقش بسیار مهمی در ایجاد یا خلق فرهنگ، تغییر آن و فرهنگ‌پذیری افراد جامعه دارد، تأثیرات خود را بر روی افراد مختلف به شیوه‌های متفاوتی بر جای می‌گذارد؛ یعنی اثر آن بر فرهنگ غرب با اثرش بر فرهنگ شرق، به جهت متفاوت بودن زمینه‌های فرهنگی در این دو تمدن، متفاوت است. سینما، نیرومندترین و پرکاربردترین ابزار فرهنگی است، چرا که فرهنگ را در قالبی محتوایی به دیگران تزریق می‌کند. مطابق نتایج به دست آمده در بررسی‌های پژوهشی، نقش فرهنگی سینما به خصوص در جایگاه

مردم ایران مردمی هنردوست و با پیشینه فرهنگی غنی هستند که از دیرباز آوازه هنر و فرهنگ آن‌ها در جهان پیچیده است. دیدن آثار تاریخی به جامانده از هنرمندان ایرانی، ما را بر این موضوع واقف می‌کند که هنر و فرهنگ از گذشته با زندگی مردم ایران زمین گره خورده است؛ از سیاه بازی‌ها و نمایش‌های روح‌ضی گرفته تا فیلم‌هایی که تنها از پخش چند عکس روی پرده‌ای سفید به وجود می‌آمد. در صد سال اخیر، آن عکس‌های متحرک به پدیده‌ای تبدیل شد که راه خود را، در میان جوامع بشری باز نموده و خود را به شکل‌های گوناگون و در قالب‌های متفاوت به بشر عرضه کرده است؛ پدیده‌ای جادویی به نام سینما. در عصر کنونی، چیرگی لذت‌جویی از فرهنگ تصویری



کمیسیون ماده پنج که مسئول رسیدگی به امور سینمایی است، هرچند سال یک بار جلساتی را برای بررسی مسائلی همچون استحکام بنا و ظرفیت سینما تشکیل داده و برای ادامه یا توقف فعالیت یک سینما تصمیم می‌گیرد. رأی این کمیسیون منجر به تعطیلی سه سینما از مجموع سینماهای ساری شد. دلایل این کمیسیون برای تعطیلی این سینماهای قدیمی قابل درک بود اما جای صرف بودجه و هزینه برای نجات ایران، فرهنگ و فردوسی کجا بود؟ مگر نه اینکه سینما مهم‌ترین ابزار فرهنگی است؟ مگر نه اینکه سینما از بهترین شاخص‌ها برای شناسایی فرهنگ، اقتصاد، سیاست، اجتماع و هنر است؟ مگر نه این‌که سینماهای قدیمی ساری، ورقی از تاریخ فرهنگی این شهر و نشان‌دهنده رفتار فرهنگی-اجتماعی ساروی‌ها بودند؟ پس هزینه برای فرهنگ، به جای حکم به نابودی و تعطیلی، می‌توانست منجر به رشد و غنای فرهنگ، جامعه مدنی، دید هنری، سیاست و اقتصاد جامعه شود. رونق سینماهای ساری، می‌توانست شاخ و برگ بیشتری به درخت فرهنگ شهرمان بخشد و می‌توانست به جای یک «خسرو معصومی»، یکی از بهترین فیلم‌سازان کشور و یک «هوشنگ رضایی»، از توانمندترین بازیگران عرصه سینما با بیش از پنجاه سال سابقه فعالیت، خسروها و هوشنگ‌های بسیاری را پرورد.

با وجود تمام این اتفاقات ناخوشایند برای سینماهای ساری، سازمان سینمایی حوزه هنری درصدد است با تعامل شهرداری و شورای شهر ساری، سینما ایران را به پردیس سینمایی چهارسالنه تبدیل کنند. همچون همه هنردوستان ساروی، چشم می‌دوزیم به دست متولیان احیای سینماهای ساری تا جان دوباره‌ای به این مکان‌های فرهنگی ببخشند. امیدوارم صنعت سینما که دچار واپس‌زدگی شده بازهم به رونق اصلی خود برگردد و شاهد تولید فیلم‌هایی با کیفیت بالاتر، شکوفایی بیشتر و مورد استقبال شهروندان، به خصوص جوانان، باشیم.

ساری از شهرهای پیشرویی بود که در مدت زمانی کم، چهار سالن سینمایی در آن افتتاح گردید: سینما ایران به سال ۱۳۴۲ در خیابان مازیار؛ سینما فرهنگ (مولن روژ) به سال ۱۳۴۳ در خیابان خیام؛ سینما سپهر به سال ۱۳۴۵ در خیابان فردوسی و یک سینمای دیگر به نام سینما فردوسی که امروزه هیچ نشانی از آن به جا نمانده است.

سینما ایران، اولین پرچم‌دار صنعت سینما در ساری، تبدیل به خرابه شد، از سینما فردوسی تنها کرکره‌ای در تقاطع فعلی خیابان خاقانی و شیخ طبرسی باقی‌ماند و در مقابل سینما فرهنگ، که با وجود سختی‌های زیاد به کار خود ادامه می‌داد، دیواری به درازای تاریخ کشیده شد.

تبدیل به خرابه شد، از سینما فردوسی تنها کرکره‌ای در تقاطع فعلی خیابان خاقانی و شیخ طبرسی باقی ماند و در مقابل سینما فرهنگ که با وجود سختی‌های زیاد به کار خود ادامه می‌داد، دیواری به درازای تاریخ کشیده شد. فرسودگی، عدم استحکام بنا و نبود امکانات لازم دلایلی بود که این سینماهای نام‌آشنا و همه‌خاطرات مردم ساری را به تعطیلی کشاند. تا سال‌ها در شهر ساری که مرکز استان بودن را یدک می‌کشید، تنها سینما سپهر که در سال ۱۳۸۵ بهسازی شده بود، فعالیت می‌کرد و از سال گذشته تاکنون، سینما کانون واقع در خیابان شهبند، پارک کوشا سنگ، هم کار خود را به عنوان دومین سینمای فعال ساری شروع کرده و توانسته است اندکی از بار حجم پخش فیلم که تماماً بر دوش سینما سپهر بوده، بکاهد.

سال پس از شروع کار صنعت سینما در ایران، هیچ فیلم ایرانی ساخته نشد و فقط فیلم‌های غربی به نمایش درمی‌آمدند. تا این‌که در سال ۱۳۱۲، «اردشیر ایرانی» اولین فیلم سیاه‌وسفید و ناطق فارسی به نام «دختر لر» را در بمبئی هندوستان ساخت و این فیلم، در سینما «دیدهبان» تهران، واقع در خیابان لاله‌زار، به روی پرده رفت. اگران این فیلم، موجب شکوفایی صنعت نوپای سینمای ایران شد. تا این‌که سال‌ها بعد، مواجهه با جنگ جهانی دوم و جو سیاسی حاکم بر کشور موجب اعمال سانسور شدید و رکود فعالیت سینما در ایران شد.

🔴 شروع طوفانی اما روند تأسف بار تعطیلی سینماها در ساری

با افتتاح اولین سالن‌های سینما در ایران تب سالن فراگیر شد و آهسته‌آهسته به تمام ایران سرایت کرد. ساری از شهرهای پیشرو در این زمینه بود که در مدت زمانی کم، چهار سالن سینمایی در آن افتتاح گردید: سینما ایران به سال ۱۳۴۲ در خیابان مازیار؛ سینما فرهنگ (مولن روژ) به سال ۱۳۴۳ در خیابان خیام؛ سینما سپهر که در حال حاضر بیشترین بار پخش فیلم را در شهر ساری تحمل می‌کند، به سال ۱۳۴۵ در خیابان فردوسی و یک سینمای دیگر به نام سینما فردوسی که امروزه هیچ نشانی از آن به جا نمانده است. بعد از انقلاب، صنعت سینما در کشور با رکود مواجه شد تا آن‌که با ساخته شدن فیلم‌هایی که به ارزش‌های انقلاب، هنجارها و خرده فرهنگ‌های موجود در ایران توجه می‌کرد و همچنین، فیلم‌های حوزه دفاع مقدس جان دوباره‌ای در کالبد سینما دمیده و آثار فوق‌العاده‌ای ساخته شد. در دهه دوم انقلاب، سینمای ایران دستخوش تغییرات اساسی و بنیادین گردید. با این وجود، سینما در ساری رو به افول رفت و از بیشتر سینماهای این شهر تنها پیکری بی‌جان باقی ماند؛ سینما ایران، اولین پرچم‌دار صنعت سینما در ساری،

کتاب عکس ساری

کهن شهر اسطوره و فرهنگ

گردآورنده و پژوهشگر: عالین نجاتی
عکس: مصطفی کاظمی شهبابی



میدان شهدا



ساختمان‌های تاریخی بوستان ولایت



میدان ابن شهر آشوب



پارک ملل



پارک ملل



ساختمان‌های تاریخی بوستان ولایت



عمارت شهرداری

ساری را باید به جرات نگین گمنام گردشگری و فرهنگ ایران دانست. کهن شهری اساطیری که با کاوش‌های اخیر در «وستمین کیاسر» عمر شهرنشینی در آن به شش هزار سال رسید. شهری که باشکوه‌ترین یادگار باستانی ایران یعنی «سه گنبدان» را در خود جای داده بود؛ بنایی استوار که در زیر گنبد‌های آن «ایرج، سلم و تور (پسران فریدون شاه)» آرمیده بودند. ساری تنها مرکز استان در شمال ایران است که هم به دریا راه دارد و هم به جنگل، هم افقی گشاده‌رو به دشت‌های بی‌نظیر شمالی دارد و هم بوی شالیزارهایش هوش از سر آدمی می‌برد. شهر اردیبهشت و بهارنارنج، شهر خشت‌ها و سفال‌های سرخ، شهر کاروانسراهای بی‌نظیر و آب‌انبارهای باشکوه. شهری که «آرش» نخستین بار از آن تیرش را از چله کمان رها کرد تا مرز ایران زمین را حد بزند و فردوسی بارها در شاهنامه از آن یاد کرده است. این کهن‌شهر اساطیری با مردمانی با فرهنگ و اصیل و یادگاری‌های بی‌نظیر تاریخی چهارراه برخورد سنت و تجدد در شمال است، زیرا هم نخستین نشانه‌های سنت اسلامی یعنی اولین مسجد جامع مازندران در آن ساخته شده و هم صاحب اولین

نماد تجدد یعنی نخستین خط و ایستگاه راه آهن در ایران است؛ اما با وجود برخورداری از این همه موهبت تاریخی و طبیعی، نامش آن چنان که باید آشنا نیست و شاید این امر با کمبود منابع و تصاویر از این شهری ارتباط نباشد. کمبودی که سعی شده در کتاب «عکس ساری؛ کهن شهر اسطوره و فرهنگ» نخستین قدم‌ها برای رفع آن برداشته شود. عکس‌هایی که خود گویاترین زبان است برای شرح حال این کهن شهر. درواقع، تمرکز این کتاب بر آثار و بناهای تاریخی شهر ساری است و به همین خاطر بسیاری از زیبایی‌ها و جاذبه‌های شهر، همچون دریاچه‌ها، کوه‌ها، غارها، دشت‌های فراخ، روستاهای تاریخی و آداب و رسوم کهن در کتاب عکس ساری غایب است.

کتاب «عکس ساری؛ کهن شهر اسطوره و فرهنگ» در پاییز سال ۱۳۹۶ با حمایت «معاونت وقت فرهنگی و اجتماعی شهرداری ساری» تهیه شده و به چاپ رسیده است. این کتاب به سراغ بناها و مکان‌های تاریخی درون شهری، با قابلیت عکاسی و گردشگری، رفته تا با قرارگیری آن‌ها در کنار میادین و برخی اماکن گردشگری و شهری معاصر ساری، تصویری مناسب از ساری به دست آید. هرچند، اسفناک است که بگوییم برخی از باشکوه‌ترین بناهای ساری به دلیل بی‌توجهی به مخروبه‌ای بدل شده است. عکس‌های این کتاب، تنها بخش کوچکی از تلاش‌های چندین ساله «مصطفی کاظمی شهبابی» عکاس جوان و خوش ذوق سازوی است که به دلیل محدودیت موضوع، تنها تصاویر تاریخی و شهری آن برگزیده شده است.



جاده تاریخی فرح‌آباد



مسجد مصطفی خان



خانه صادقیان



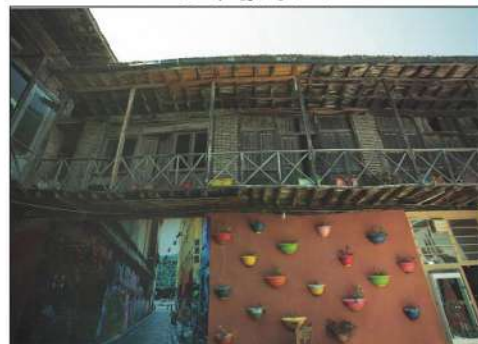
عمارت سردار جلیل



آب‌انبار میرزا مهدی



گراندهتل



کاروانسرای بهرام اتر



خانه میرگنی

استاد غلامعلی وحید مازندرانی



انگلستان، بلژیک، فرانسه و سوئیس دیدار کرد. سرکنسولگری ایران در هند هم از دیگر مسئولیت‌های وحید بوده است. او، در سال ۱۳۲۸ خورشیدی، با یکی از نوادگان شهید آیت‌الله نوری ازدواج کرد که حاصل این ازدواج یک پسر و یک دختر به نام‌های فیروز و یاسمن بوده است. غلامعلی وحید مازندرانی را می‌توان یکی از پرکارترین نویسندگان و مترجمان ایران نام نهاد که سیر کارهای تألیف و ترجمه او از حدود سال ۱۳۱۲ آغاز شد و تا زمان حیاتش ادامه داشت. بخش زیادی از آثار وحید را نوشته‌های تاریخی در برمی‌گیرد که در نوع خود کم‌نظیر است. سال‌هاست از این ترجمه‌ها به عنوان منابع اصلی تحقیقات تاریخی بهره گرفته می‌شود و طی هفتادسال گذشته، در بسیاری از کتاب‌ها و مقالات علمی مورد استفاده محققان و دانشگاهیان بوده است. مجموعه آثار و نوشته‌های وحید به سه موضوع تألیفات، مقالات و ترجمه‌ها تقسیم می‌شود که از مهم‌ترین آثار او می‌توان از «خواستن، توانستن است»، «رستاخیز»، «اقتصاد ملی و سیاست اقتصادی ایران»، «تمدن غرب در شرق نزدیک»، «هیتلر»، «بنیتو موسولینی»، «سیرت کوروش کبیر»، «هزار اندرز کنفوسیوس»، «ممالک متحده آمریکا»، «سفرنامه مازندران و استرآباد»، «هند یا سرزمین اشراق»، «تاریخ اروپا و انقلاب فرانسه تا زمان ما» و «شاه‌راه خوشبختی» نام برد. او ظاهراً نوشته‌ای ناتمام درباره ضرب‌المثل و عبارات‌های بین‌المللی داشته که حدود بیست درصد آن را انجام داده بود. تعدادی از کتاب‌های وی توسط فرزند ایشان به کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان ساری اهدا شده است. غلامعلی وحید مازندرانی، این چهره فاخر ساروی در سال ۱۳۶۹ در سن ۷۸ سالگی دیده از جهان فرو بست.

برگرفته از مجموعه کتاب‌های ساری‌پژوهی

/ جلد ۴۶، زهرا یوسفی

باستان» نام برد. پس از اخذ مدرک دیپلم دوره متوسطه در مدرسه دارالفنون تهران، در دانشکده حقوق تهران پذیرفته شد و در نهایت، در ۲۳ سالگی موفق به اخذ مدرک لیسانس از آن دانشکده شد. در روزگاری که هنوز بیشتر مردم ایران از نعمت سواد محروم بودند، استاد وحید با سفرهای کاری بر تجربیات خود در زمینه‌های گوناگون افزود و حاصل این روند تدریجی کسب دانش و تجربه، تألیف و ترجمه‌هایی بود که در دوره دانشجویی خود منتشر کرد. وحید خراسانی پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی به خدمت نظام وظیفه رفت و این دوره را در دانشکده افسری تهران به پایان برد. سپس با پذیرفته شدن در آزمون ورودی وزارت خارجه، خدمت خود را در دستگاه دیپلماسی ایران آغاز کرد. تا آن سال با اینکه هنوز جوانی بیش نبود هشت جلد کتاب و رساله ترجمه، تألیف و منتشر کرده بود. استاد وحید از شهریور سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۳ در سفارت ایران در لندن حضور داشت و در اوایل سال ۱۳۲۴ خورشیدی به سمت معاون اداره عهود و امور حقوقی وزارت خارجه منصوب شد. او در ۳۵ سالگی، به عنوان نماینده وزارت امور خارجه در کنفرانس بین‌المللی هواپیمایی کانادا شرکت کرد و در همان سال برای مطالعات به آمریکا سفر کرد و در بازگشت، از کشورهای

کهن شهر ساری، مانند دیگر نقاط ایران پهناور، به قدر خود، مشاهیر و دانشمندان بسیاری را به ایران و جهان هدیه کرده است، اما بسیاری از این مشاهیر، چون دیگر هم‌ولایتی‌های خود در مازندران بزرگ، از دید و نظر دور مانده‌اند و این روایت مهجور از گذشته همراه و همگام ماست. شاید فراوانی و بی‌شماری محققان، پژوهشگران و دانشمندان ایرانی موجبات غفلت ما را هم فراهم کرده باشد، اما از برخی بزرگان هرگز نمی‌توان گذشت. مترجمان و محققان هر جامعه شخصیت‌هایی هستند که سعی دارند حلقه‌ای واسطه برای گسترش اندیشه و دانایی باشند. مترجمان ارجمند معاصر ساری، پرتعداد و البته کمتر شناخته شده برای مردم دیار خود هستند؛ این در حالی است که در سراسر کشور با ترجمه‌ها و نوشته‌های آن‌ها آشنا و خوشه چین زحمات فراوان آن‌ها هستند. «استاد غلامعلی وحید مازندرانی» از چهره‌های فرهیخته و پژوهشگر توانای ساروی است که نقش بزرگی در پراکنده ساختن بذر آگاهی و علم در ایران بزرگ دارد.

غلامعلی وحید مازندرانی، فرزند مصطفی‌خان دوانلو، در خردادماه ۱۳۹۱ خورشیدی در ساری متولد شد. وی در دو یا سه سالگی پدرش را از دست داد و از آن پس در دامن مادری جلیل‌القدر به نام سروناز خانم که از خاندان قاجار بود، پرورش یافت. غلامعلی تحصیلات مقدماتی خود را به سال ۱۲۹۸ خورشیدی در ساری آغاز نمود و این دوره را تا سال ۱۳۰۸ به پایان رساند. از همان نوجوانی به دلیل علاقه‌مندی و دانش دوستی، تدریس خصوصی به دانش‌آموزان کوچک‌تر از خود را برعهده گرفت و خیلی زود معلمی مدرسه ابتدایی را آغاز کرد. وی تصمیم گرفت برای گذراندن دوره دوم متوسطه به تهران مهاجرت کند تا سرنوشت خود را به گونه‌ای دیگر رقم زند. از همان دوران، غلامعلی، برای گذران زندگی، همکاری خود را با برخی از نشریات و مطبوعات مشهور آغاز کرد؛ از جمله این مجلات می‌توان از «یغما، نگین و ایران

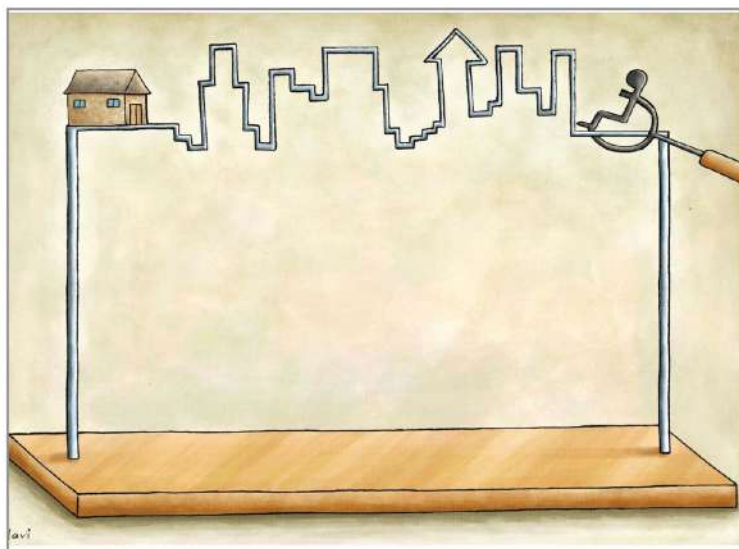
معصومه رحیمی



علی قناعت



حامد مرتضوی علوی



در قاب کاریکاتور

توانمندسازی اجتماعی ازجمله مباحث مهمی است که با پیشرفت جامعه، چه از نظر فرهنگی و هنری و چه از نظر اقتصادی، ارتباط مستقیم دارد و درواقع، حلقه گم شده شهروندان و شهرشان است. جامعه‌ای توانمند است که بتواند به رشد، ظهور و پرورش استعدادهای افراد اهمیت دهد و آن‌ها را به اشخاصی کارآمد و تأثیرگذار تبدیل کند.

شاید معلولین و توان‌خواهان ازجمله افرادی باشند که از لیست ذهنی ما، درمورد توانمندان و کارآمدان برای شهر و شهروند، در حال پاک شدن هستند. شاید علت این باشد که ما آن‌ها را کمتر در جامعه می‌بینیم زیرا آن‌ها با مشکلات زیادی برای دستیابی به ابتدایی‌ترین حق خود، یعنی ورود به فضاهای شهری، دست‌وپنجه نرم می‌کنند. بهسازی معابر و آسان‌سازی استفاده از فضاهای عمومی برای توان‌خواهان، نصب ایمن‌ها، نصب موزاییک‌های ویژه نابینایان، احداث رمپ‌های ویژه معلولین در ورودی‌های فضاهای شهری و لحاظ کردن نیازهای معلولین ذهنی در برنامه‌ریزی‌های شهری، از ابتدایی‌ترین کارهایی است که لازم است انجام شود. نهادها و سازمان‌های دولتی و مردم باید دست‌به‌دست هم دهند تا توان‌خواهان بتوانند بدون دغدغه و ترس از تردد در شهر، مانند افراد عادی و بانگیزه، در فضای جامعه حضور یابند. بسیاری از معلولین دارای استعدادهای سرشاری هستند که با فراهم نبودن حداقل امکانات برای آن‌ها این استعدادهای سرکوب خواهند شد.

کاریکاتورهای تأمل‌برانگیزی که در این شماره «گزنه» به نمایش گذاشته می‌شود آثار برگزیده جشنواره ملی کاریکاتور با عنوان «شهرمن، شهر مناسب همه»، با محوریت حق دسترسی عادلانه است که توسط حوزه توان‌بخشی اداره کل بهزیستی استان خراسان رضوی برگزار شد. خالی از لطف نیست که بدانیم بسیاری از هنرمندان شرکت‌کننده در این جشنواره توان‌خواه بوده‌اند.

طیبه خلیلی مهر



ایمان نوری نجفی



حسین نقیب



زیر پوست شهر چه خبر است؟

«سجاد» فقط چهار سال داشت که کارتن خواب و زاغه نشین شد. پدرش «احمد» معتاد بود و در مرکز شهر زباله‌ها را زیر و رو می‌کرد تا از بین آنها چیزی برای ادامه زندگی پیدا کند. احمد بعد از مدتی سر از زندان در می‌آورد و پسر کوچک چهار ساله آواره می‌شود.

یک خیر، سجاد را زیر پل فرح‌آباد در حالی پیدا می‌کند که گنداب زباله او را احاطه کرده بود. آن‌ها به پارک رفتند بازی کردند، به آرایشگاه رفتند، با هم غذا خوردند و... سجاد توسط اورژانس اجتماعی راهی بهزیستی شد. بعدها برای او سرپرستی پیدا شد. اکنون پنج سال از این ماجرا می‌گذرد، سجاد با حدود نه سال سن زندگی سالمی دارد و در کنار پدر و مادر جدیدش در حال زندگی است. (این داستان واقعی است و برای حفظ حریم خصوصی کودک از نام مستعار استفاده شده است.)



خبرگزاری مهر  امیرعلی رزاقی



